



انجمن علمی اقتصاد شهری ایران

اکنون سالانه به ایجاد بیش از ۴۲ میلیون شغل جدید نیاز است که پاسخگوی نیروی کار باشد

شهر ها، تولید و اشتغال

شهرها مکان تولید و رونق اقتصادی هستند. برای بسیاری از شهرها به شکوفایی اقتصادی به توانایی آنها در حفظ و نگهداشت سرمایه ها و مشاغل بستگی دارد. مدیران شهرهایی که دارای فعالیتهای تجاری و صنعتی قوی هستند و دارای اشتغال بالاتر و بیکاری کمتری هستند در اداره شهر و ارائه خدمات شهری بسیار موفق ترند. از ویژگیهای اقتصادهای رو به توسعه و کمتر توسعه یافته افزایش شتابان جمعیت شهرنشین و نیروی کار شهری و به موازات آن رشد آهسته بازار کار و فرصتهای شغلی است. بیکاری از جمله معضلاتی است که بسیاری از کشورها و شهرها با آن دست به گریبان هستند هم اکنون سالانه به ایجاد بیش از ۴۲ میلیون شغل جدید نیاز است که پاسخگوی نیروی کار باشد. با روند فعلی بیکاری در سال ۲۰۱۸ حدود ۲۱۵ میلیون نفر جوینای کار در جهان وجود دارد.

شهرها نشان می دهد آنچه که اشتغال را در شهرها بر رونق خواهد کرد، دو عامل است. با وجود تقویت موج صنعت زدایی از شهرها در سالهای اخیر، همچنان تولید در شهرها بسیار حیاتی است. ترکود یا خروج تولید از شهرها به کاهش اشتغال دامن می زند. در دهه های اخیر در بسیاری از شهرهای بزرگ سهم بخش تولید به شدت کاهش یافته و فعالیتهای خدماتی افزوده شده است این موضوع در برخی موارد مانند دیترویت امریکا به زوال شهری و افت اقتصاد شهری انجامیده است.

بنابراین شهرهای مختلف از جمله نیویورک و مونیخ به تکاپو افتاده اند که چطور می توانند در اقتصاد نوین شهری که توام با آگاهیهای زیست محیطی است و در عین حال محدودیتهای فضایی شهرها را در نظر دارد، استراتژیهای ای را تدوین کنند که تولید همچنان در شهرها بر رونق باشد. چرا که بخوبی آگاهند که تغییرات و نوآوریها از بخش تولید به سایر بخشها سرایت می کند. از طرفی دیگر تحقیقات متعدد نشان می دهد که بین بخش تولید و بخش خدمات ارتباط درونی متقابلی وجود دارد و ارزش افزوده بخش خدمات وابسته به ورودیهای بخش تولید است اگر بخش تولید پویا نباشد بخش خدمات پیک افول خواهد کرد.

بین ۷۰ تا ۸۰ درصد قیمت یک تولید کارخانه ای مربوط به هزینه خدمات آن شامل خدمات قبیل از تولید، چین تولید و پس از تولید است که این موضوع جایگاه بخش تولید را بخوبی آشکار می سازد.

امروزه در شهرها اگرچه صنایع تولیدی که تولیدات ملموس و فیزیکی دارند به مناطق اترزانی می روند اما تمرکز صنایع دانش بنیان که قسمت عمده تولید آنها داده و اطلاعات است روز به روز بیشتر می شود. اقتصاد شهری نوین روز به روز بیشتر به تحقیق و توسعه، خدمات تجاری و مالی، فناوریهای نوین، تورسم و صنایع خلاق متکی می باشد. امروزه بیش از ۲۵ درصد در آمد اروپا ناشی از تجارت فناوری اطلاعات و تحقیق و توسعه است.

در کشور ما نیز شهرها باید به جایگاهی محوری در تولید و اشتغال دست یابند. تولید در شهرها می تواند محرک توسعه کلی کشور باشد. طبق نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور در سال ۱۳۹۵ از جمعیت نزدیک به ۸۰ میلیونی کشور ۷۴ درصد در شهرها زندگی می کنند.

طی دوره پنج ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در صد جمعیت شهرنشین کشور از ۴۷/۱ درصد به ۷۴ درصد جمعیت کل کشور رسیده است. همچنین تعداد شهرها از ۱۱۳۹ شهر در سال ۱۳۹۰ به ۱۲۴۵ شهر افزایش یافته به عبارتی طی یک دوره پنج ساله تعداد ۱۰۶ شهر به شهرهای کشور اضافه شده یعنی هر سال بیش از ۲۰ شهر به نقاط شهری کشور افزوده شده است که این رشد ناشی از افزایش طبیعی جمعیت، رشد مهاجرت به نقاط شهری و تبدیل نقاط روستایی به شهر می باشد.

از طرفی دیگر با نگاهی به هرم سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵ متوجه می شویم که با جوانی جمعیت مواجه هستیم که می تواند یک ابزار مهم توسعه باشد نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت ایران در سن فعالیت یعنی بین ۱۵ تا ۶۵ سال قرار دارند و میانگین و میانه سنی جمعیت کشور نزدیک ۳۱ سال است که همه این آمارها گواهی جوانی جمعیت است.

اگرچه میانه سنی در تقریباً همه کشورهای توسعه یافته بالای ۴۰ سال است اما برای کشورهایمانند ایران و دیگر اقتصادهای نوظهور چنانچه استراتژی مناسبی برای توسعه تدوین شود، وجود نیروی کار جوان یکی از مهمترین محرکهای پیشرفت و توسعه محسوب می شود.

با عنایت به شمار سال مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری با عنوان اقتصاد مقاومتی تولید و اشتغال، به نظر می رسد شهرها باید به عرصه تحقق این شعار تبدیل شوند و نقشی مهم و منحصربفرد را در این راستا به عهده بگیرند.

سردبیر «پدیده شهر» بررسی می کند

حداقل رای لازم

برای ورود به شورای شهر تهران!



عابدین سالاری اسکر! در جوامعی که از حیث اجتماعی_سیاسی دوره تاریخی گذار واطی کرده اند و به ثبات رسیده اند، نظرسنجی علمی می تواند معیار نسبی مناسبی برای پیش بینی میزان مشارکت سیاسی لایه های اجتماعی و نتایج انتخابات در اختیار قرار دهد. در جوامعی مانند ایران به عنوان یک جامعه در حال گذار نظرسنجی حتی اگر کاملاً علمی (یعنی تعیین حجم نمونه دقیق، برشنامه دار ای روایی و پایایی، پاسخ صادقانه پرسش شوندگان و...) انجام شود، باز هم معیار مناسبی برای پیش بینی نخواهد بود. خصلت جامعه توده ای و سیالی با رفتارهای پیچیده و متغیر سیاسی علت و ریشه این مساله است.

به زعم خود این مساله، جامعه بی نیاز از تحلیل و پیش بینی نیست نکته کلیدی این است که باید به دنبال گزاره های صدق و کذب بود که توانایی دفاع موثرتری در میان نخبگان جامعه داشته باشند. یکی از روش های مرسوم برای پیش بینی رفتار سیاسی_اجتماعی جامعه مورد رفتارهای انتخاباتی پیشین است. حساسیت کلیدی این است که باید متغیرهایی که در طول زمان تغییر می کنند با دقت شناسایی و در مدل وارد کرد. طرح این نکته که مدل سازی های این چنینی به معنای پیش بینی دقیق مساله نیست، یک ضرورت است. با این مقدمه ضروری به سوال مطرح شده در عنوان یادداشت می پردازم.

۱- بررسی نتایج چهارده دوره شورانشان می دهد که جز دو نفر (دوسلبریتی) کسی نتوانسته است خارج از لیست های سیاسی دو جناح اصلی وارد شورای شهر تهران شود.

۲- در هر مقطعی جریان سیاسی که با اقبال عمومی در سطح ملی برخوردار بوده، نتوانسته اکثریت شورای شهر تهران را از آن خود کند. به عنوان مثال در اوج دوران محبوبیت دوم خردادی ها (اصلاح طلبان امروزی) نتوانستند اکثریت شورای شهر تهران را از آن خود نمایند.

در سال ۸۱ در غیاب بخش عمده ای از لایه های اجتماعی شهر تهران، اصولگرایان نتوانستند اکثریت شورای را با دست آوردن وین مساله در دوره سوم نیز با کمی تغییر تکرار شود. در دوره چهارم به دلیل تغییرات اجتماعی_سیاسی در سطح ملی توازن قوا در درون شورا دچار شرایط جدیدی و متفاوت تری شد. بنابراین می توان اینگونه نتیجه گرفت که بین محبوبیت یک جریان سیاسی در سطح ملی و اکثریت یافتن در شورای شهر تهران رابطه مستقیمی وجود دارد.

لحاظ تغییرات اجتماعی_سیاسی در مدل (مدل پویا)

جامعه ایران و تحولات آن بسیار پیچیده، سیال و پیش رونده است. این وضعیت بدین معناست که باید متغیر زمان را در مدل وارد کرد. پویایی مدل مارا تاگزیر از طرح سناریوهای مختلف می کند. هر گونه قطعی نگری در این حوزه می تواند به ساده سازی و توهم بینجامد. حداکثر کار علمی قابل دفاعی کمی توان انجام داد تعیین ضریب برای سناریوهای مختلف است.

سناریوی شماره ۱ (تکرار نتیجه انتخابات مجلس در سال ۹۴)

بر اساس این سناریو استراتژی اصلاح طلبان بر این استوار است که الف_با یک لیست واحد در انتخابات شورای شهر تهران حاضر شوند. ب_با ایجاد دو قطبی های سیاسی مانند نماینده مردم_نماینده حاکمیت، دو گانه جنگ_صلح در نتیجه سیاست خارجی خاص اصولگرایان و سایر دو قطبی هایی که بخش خاکستری جامعه تهران (با اولویت لایه های متوسط جامعه و بخش های سیاسی) را به نحو تحریک نماید که برای دفع خطر احتمالی اصولگرایان به گزینه آنها در انتخابات ریاست جمهوری ای دهند و متعاقب آن افکار عمومی طرفدار خود را تشویق به دادن رای لیستی در انتخابات شوراها کنند. بر اساس این استراتژی چنانکه میزان مشارکت در شهر تهران از ۳۵ یا ۴۰ درصد به بالاتر رود، امتداد سال ۹۴ رخ خواهد داد و رای چمران اصولگرا پایین تر از آخرین چهره غیر معروف اصلاح طلب خواهد شد. در این حالت حداقل رای لیستی حتی می تواند یک میلیون رای باشد. اگر این اتفاق بیفتد حداقل رای مورد نیاز برای ورود به شورای شهر تهران یک میلیون خواهد بود. در صورت وقوع چنین حالتی، رای فردی هر سلبی رتی چه سیاسی، چه ورزشی، چه هنری که کمتر از رای لیستی خواهد شد.

سناریوی شماره ۲ (سناریوی اصولگرایان) الف_در این حالت اصولگرایان با یک لیست وارد می شوند. ب_تلاش می کنند به جای دو گانه های سیاسی اصلاح طلبان، دو گانه هایی مانند اشرافی گری_ساده زیستی، انقلابی گری_غرب گرای، سلامت_فساد و... همراه با طرح شعارهای معیشتی چون کمک به فقرا، چند برابر کردن یارانه ها و درآمد های ملی و... بخشی از توده بیگزار و مایوس از برنامه های دولت را ضمیمه آر استستی خود کرده و اکثریت را را ریاست جمهوری و به تبع آن شورا را از برای خود کنند. مشارکت پایین طبقات متوسط و متوسط به بالا در انتخابات تهران اگر همراه با پدیده های فوق شود امکان نیل به مقصود نزد اصولگرایان بیشتر خواهد شد.

بر اوهرای این گروه رای اصلاح طلبان حدود ۷۰ هزار رای از تخمین زده شده است. مطالعات نگارنده اعداد و ارقام متفاوت تری را نشان می دهد. بر اساس یافته های خفیر اگر همه تحولات سال ۹۴ تا ۹۹ در سال ۹۶ تکرار شود رای حداقلی لیستی اصولگرایان در صورت وجود یک لیست بیشتر از اصلاح طلبان با یک لیست خواهد بود. (ا این فرض غیر واقعی است و باید در ادامه متغیر تغییرات سیاسی_اجتماعی ۲ سال اخیر را در این لحاظ کرد.)

۳- در تحلیل خرد آمارهای مربوط به دوره چهارم می توان اینگونه استنباط کرد که رای نهایی هر فرد شامل رای ناشی از قرار گرفتن در لیست سیاسی جریان متبوع سیاسی و رای افرادی ناشی از قرار گرفتن در لیست های فرعی با محبوبیت و تشکیلات فردی شخص رهیافته می باشد. برای توضیح بیشتر این مفهوم باید برخی متغیرهای مفهومی جدیدی را تعریف و بر مبنای آنها تحلیل را ادامه داد.

لیست های سیاسی معمولاً بر اساس محبوبیت و محبوبیت افراد دسته می شوند. به طور نسبی تقریبی و یا تسامح می توان پذیرفت که رای آخرین نفر راه یافته از هر لیست به درون شورا را می توان حداقل رای هر جریان سیاسی (کف رای لیستی) فرض کرد. (با فرض اینکه این فرد هیچگونه تلاشی برای کسب رای فردی و شخصی نکرده باشد.)

با این پیش فرض، مطالعات اصلاح طلبان مدعی است که رای حداقلی لیستی اصولگرایان ۵۰ هزار رای و رای لیستی اصلاح طلبان ۹۰ هزار رای بوده است. مطالعات اصولگرایان مدعی است که این جریان در قالب سه، چهار لیست حاضر شده و یکی از این لیست ها حداقل ۲۰ هزار رای و دیگری ۲۵ هزار رای و سومی ۱۵ هزار رای داشته است. در

۴- دیگر از نتایج تحلیل خرد آمارهای ۵- یک رای خرد از نتایج تحلیل خرد آمارهای دوره چهارم نشان می دهد که فاصله میان پنج شش نفر اول راه یافته به شورا با آرا افراد بیانی فاصله زیادی داشته و فاصله ای میان نفرات ۱ تا ۱۵-۲۰ بسیار اندک و در حد چند هزار رای است. این بدین معناست که سید مفهوم باید برخی متغیرهای مفهومی جدیدی را تعریف و بر مبنای آنها تحلیل را ادامه داد. لیست های سیاسی معمولاً بر اساس محبوبیت و محبوبیت افراد دسته می شوند. به طور نسبی تقریبی و یا تسامح می توان پذیرفت که رای آخرین نفر راه یافته از هر لیست به درون شورا را می توان حداقل رای هر جریان سیاسی (کف رای لیستی) فرض کرد. (با فرض اینکه این فرد هیچگونه تلاشی برای کسب رای فردی و شخصی نکرده باشد.)

با این پیش فرض، مطالعات اصلاح طلبان مدعی است که رای حداقلی لیستی اصولگرایان ۵۰ هزار رای و رای لیستی اصلاح طلبان ۹۰ هزار رای بوده است. مطالعات اصولگرایان مدعی است که این جریان در قالب سه، چهار لیست حاضر شده و یکی از این لیست ها حداقل ۲۰ هزار رای و دیگری ۲۵ هزار رای و سومی ۱۵ هزار رای داشته است. در

نهایی این بخشی می تواند این باشد که در رتبه نفرات ۱۵ تا ۳۰ را از همسازان را فردی تعیین می کند و هر فردی که تشکیلات و بر تانمه انتخاباتی قوی تر داشته باشد شانس خواهد داشت.

اگر این اتفاق رخ دهد وزن و سهم رای فردی از نفر ۱۵ به بعد هر لیست سیاسی بیشتر خواهد شد. به عبارت دیگر نفرات ۱۵ به بعد کسانیی خواهند بود که رای انفرادی بالاتری کسب کنند. بر اساس مطالعات نگارنده ۲۰ درصد از سرجمع آرای مورد نیاز برای ورود را رای انفرادی تشکیل خواهد داد. برخی از تحلیل گران اعدادی مانند ۲۰ هزار رای را کف مورد نیاز می دانند. اما مهم تر از ارائه عدد مطلق، کسب سهم نسبی و تعیین نسبت رای لیستی و رای فردی است.

بر اساس این سناریو استراتژی اصلاح طلبان بر این استوار است که الف_با یک لیست واحد در انتخابات شورای شهر تهران حاضر شوند. ب_با ایجاد دو قطبی های سیاسی مانند نماینده مردم_نماینده حاکمیت، دو گانه جنگ_صلح در نتیجه سیاست خارجی خاص اصولگرایان و سایر دو قطبی هایی که بخش خاکستری جامعه تهران (با اولویت لایه های متوسط جامعه و بخش های سیاسی) را به نحو تحریک نماید که برای دفع خطر احتمالی اصولگرایان به گزینه آنها در انتخابات ریاست جمهوری ای دهند و متعاقب آن افکار عمومی طرفدار خود را تشویق به دادن رای لیستی در انتخابات شوراها کنند. بر اساس این استراتژی چنانکه میزان مشارکت در شهر تهران از ۳۵ یا ۴۰ درصد به بالاتر رود، امتداد سال ۹۴ رخ خواهد داد و رای چمران اصولگرا پایین تر از آخرین چهره غیر معروف اصلاح طلب خواهد شد. در این حالت حداقل رای لیستی حتی می تواند یک میلیون رای باشد. اگر این اتفاق بیفتد حداقل رای مورد نیاز برای ورود به شورای شهر تهران یک میلیون خواهد بود. در صورت وقوع چنین حالتی، رای فردی هر سلبی رتی چه سیاسی، چه ورزشی، چه هنری که کمتر از رای لیستی خواهد شد.

۱- بررسی نتایج چهارده دوره شورانشان می دهد که جز دو نفر (دوسلبریتی) کسی نتوانسته است خارج از لیست های سیاسی دو جناح اصلی وارد شورای شهر تهران شود. ۲- در هر مقطعی جریان سیاسی که با اقبال عمومی در سطح ملی برخوردار بوده، نتوانسته اکثریت شورای شهر تهران را از آن خود کند. به عنوان مثال در اوج دوران محبوبیت دوم خردادی ها (اصلاح طلبان امروزی) نتوانستند اکثریت شورای شهر تهران را از آن خود نمایند. در سال ۸۱ در غیاب بخش عمده ای از لایه های اجتماعی شهر تهران، اصولگرایان نتوانستند اکثریت شورای شهر تهران را با دست آوردن وین مساله در دوره سوم نیز با کمی تغییر تکرار شود. در دوره چهارم به دلیل تغییرات اجتماعی_سیاسی در سطح ملی توازن قوا در درون شورا دچار شرایط جدیدی و متفاوت تری شد. بنابراین می توان اینگونه نتیجه گرفت که بین محبوبیت یک جریان سیاسی در سطح ملی و اکثریت یافتن در شورای شهر تهران رابطه مستقیمی وجود دارد.

۱- بررسی نتایج چهارده دوره شورانشان می دهد که جز دو نفر (دوسلبریتی) کسی نتوانسته است خارج از لیست های سیاسی دو جناح اصلی وارد شورای شهر تهران شود. ۲- در هر مقطعی جریان سیاسی که با اقبال عمومی در سطح ملی برخوردار بوده، نتوانسته اکثریت شورای شهر تهران را از آن خود کند. به عنوان مثال در اوج دوران محبوبیت دوم خردادی ها (اصلاح طلبان امروزی) نتوانستند اکثریت شورای شهر تهران را از آن خود نمایند. در سال ۸۱ در غیاب بخش عمده ای از لایه های اجتماعی شهر تهران، اصولگرایان نتوانستند اکثریت شورای شهر تهران را با دست آوردن وین مساله در دوره سوم نیز با کمی تغییر تکرار شود. در دوره چهارم به دلیل تغییرات اجتماعی_سیاسی در سطح ملی توازن قوا در درون شورا دچار شرایط جدیدی و متفاوت تری شد. بنابراین می توان اینگونه نتیجه گرفت که بین محبوبیت یک جریان سیاسی در سطح ملی و اکثریت یافتن در شورای شهر تهران رابطه مستقیمی وجود دارد.

۱۰ میلیون نفر حاشیه نشین!

به گزارش خبرنگار اجتماعی خبرگزاری فارس، سید حسن قاضی زاده هاشمی در سخنان پیش از خطبه نماز جمعه درباره آغاز هفته سلامت و سلامت روان، اظهار داشت: همه ساله در همچنین روزهایی در سراسر کشور بر اساس سازمان بهداشت جهانی روز جهانی سلامت اعلام می شود.

وی افزود: از دولت فعلی حدود ۳ سال ۸ ماه می گذرد و یکی از اولویت های این دولت توجه به خدمات سلامت بوده است که در مرحله نخست آن کاهش پرداخت از جیب مردم عملی شد. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با اشاره به اینکه ۱۱ میلیون نفر در دولت یازدهم تحت پوشش بیمه قرار گرفتند، گفت: طرح تحول سلامت ۲۰ سال قبل تصویب شده بود و دولت فعلی اجرائی شد.

هاشمی گفت: عده ای پسا اینکه تحت پوشش بیمه قرار گرفته بودند باز توان مالی مراجعه به بیمارستان ها را نداشتند و از سوی دیگر نیز توان پرداخت حق بیمه نیز بر ایشان مسر نبود. وی گفت: هزاران هزار میلیارد تومان دولت پرداخت کرد تا پرداخت از جیب مردم کمتر شود.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، افزود: بر اساس طرح تحول نظام سلامت پرداخت از جیب مردم در روستاها به ۳ درصد و در شهرها به ۶ درصد کاهش یافت.

هاشمی ادامه داد: در سفر اخیر که به استان فارس داشتم هزار میلیارد تومان برای سلامت این استان هزینه شده بود.

وی خاطر نشان کرد: در حال حاضر ۱۰ میلیون نفر حاشیه نشین داریم که به مراتب خدمات بهداشتی آنها کمتر از روستاها است. این حاشیه نشین ها سرشماری شده اند و به ازای هر ۳ هزار نفر پزشک برای آنها معرفی شد بلکه موقع مشکلات بهداشتی آنها حل شود. قاضی زاده هاشمی درباره تجهیزات بیمارستانی نیز، اظهار داشت: به اندازه ۲۰ سال گذشته تخت بیمارستانی ساخته و تحویل بیمارستان ها داده شده است.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، گفت: ۲ هزار میلیارد تومان تجهیزات بیمارستانی از شرکت های دانش بنیان داخلی خریداری و به بیمارستان ها تحویل داده شده است.

وی افزود: ۷ هزار پایگاه مرکز جامع

خدمات بهداشتی ایجاد شده است و به تولید داروهای داخلی نیز اهتمام ویژه ای صورت گرفته است به طوری که هر ماه دارو جدید تولید داخل رونمایی می شود.

قاضی زاده هاشمی به کاهش واردات دارو و افزایش تولید داخلی به ۷۰ درصد اشاره کرد و گفت: با توجه به افزایش بیمه شدگان ۳۵۰ میلیون دلار کاهش واردات دارویی را داشته ایم که از سوی دیگر افزایش صادرات نیز بوده است. وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به سلامت روان در جامعه نیز اشاره کرد و گفت: سلامتی امر و فقط مختص به جسم نیست بلکه روح و روان فرد نیز باید سالم باشد که جامعه ای سالم نقش بسزایی در سلامت روان دارد.

وی با اشاره به اینکه سلامت روان در دنیا امروز به شدت مورد توجه قرار گرفته است، گفت: مادر کشوری زندگی می کنیم در منطقه ای که آشوب زده است بنابراین علی رغم مشکلاتی که در داخل کشور است ولی در یک کشور امن زندگی می کنیم.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، افزود: حوادث طبیعی مانند

سیل و زلزله که در یک ماه گذشته شاهد آن بودیم تلفات و مشکلات روحی و روانی برای بازماندگان به وجود آمده است.

قاضی زاده هاشمی، افزود: سالانه بالغ بر ۱۸ هزار نفر در تصادفات جان خود را از دست می دهند و دهها برابر از این تعداد معلول، مجروح و یتیم می شوند. وی با اشاره به اینکه میزان افسردگی در جامعه افزایش یافته است، گفت: ۱۶ درصد خانم ها و ۱۰ درصد آقایان دچار افسردگی هستند.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، گفت: دلیل افسردگی مشکلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. اضطراب از دروغ ناشی می شود و در جامعه ای که دروغ گسترش پیدا کند استرس و اضطراب نیز افزایش خواهد یافت و به تبع آن افسردگی نیز گسترش می یابد.

قاضی زاده هاشمی با اشاره به اینکه پسا و ناامیدی از مشکلاتی است که جامعه تبلیغ می شود، گفت: ما در جامعه ای که پسا نهادینه شده باشد امید و شکوفایی نیست و باید اقداماتی صورت گیرد تا از ناامیدی برهیز شود.

وی گفت: کسانی که یأس را تبلیغ



معاون اورژانس کشور:

۹۷ درصد ایران در معرض خطر زلزله

معاون حوادث و بلایای اورژانس کشور، گفت: ۹۷ درصد ایران در معرض خطر زلزله است، خصوصا گسل هایی که در زیر کالانشهرهایی مانند تهران قرار دارند.

معاون حوادث و بلایای اورژانس کشور، گفت: در حال حاضر در کشور سیستم ثبت مرگ ناشی از حوادث وجود ندارد.

وی با اشاره به اینکه هر حادثه ای شاخصه بین المللی دارد، افزود: ضربی در دنیا داریم به این شکل که در منطقه ای که دچار حادثه می شود، ۱۰ درصد جمعیت آن منطقه دچار حادثه می شوند، ۱۰ درصد جمعیت آن دچار مرگ و میر و به همین ترتیب ۱۰ درصد هم متاثر خواهند

شد. خاتمه تلفن امدادی اطلاع دهند. وی افزود: اکثر کشور های دنیا هنگام حادثه فقط یک شماره دارند در کشور ما ۲۰ شماره نهاد امدادی وجود دارد. خاتمه با پیشنهاد به استفاده از برنامه جامع نرم افزاری تهیه شده در اورژانس کشور سطح و میزبان حوادث هایش بینی شوند تاکنون سعی کرده ایم بیشتر امدادسانی کنیم بطور حتم با وجود حادثه های مختلف شاید به بخش امدادسانی بزنند. اگر بتوانیم سطح حادثه را تخمین بزنیم و با مشخص کنیم، مابقی امداد و مدیریت بحران را هم مشخص می کنیم بعنوان مثال حادثه پلاسکو یک حادثه محلی بود ولی ما در سطح ملی عمل کردیم.

شماره تلفن امدادی اطلاع دهند. وی افزود: اکثر کشور های دنیا هنگام حادثه فقط یک شماره دارند در کشور ما ۲۰ شماره نهاد امدادی وجود دارد. خاتمه با پیشنهاد به استفاده از برنامه جامع نرم افزاری تهیه شده در اورژانس کشور سطح و میزبان حوادث هایش بینی شوند تاکنون سعی کرده ایم بیشتر امدادسانی کنیم بطور حتم با وجود حادثه های مختلف شاید به بخش امدادسانی بزنند. اگر بتوانیم سطح حادثه را تخمین بزنیم و با مشخص کنیم، مابقی امداد و مدیریت بحران را هم مشخص می کنیم بعنوان مثال حادثه پلاسکو یک حادثه محلی بود ولی ما در سطح ملی عمل کردیم.

کنیم بنابر این باید از یک نقشه راه و برنامه جامع استفاده کنیم و تقسیم وظایف کنیم. وی ادامه داد: حوادث از ما جزو زمین زلزله و قایل پیش بینی ما نیستند اما باید در چارچوب استفاده از برنامه جامع نرم افزاری تهیه شده از صفر تا صد صورت بگیرد. خاتمه با اشاره به ضعف بودن زیر ساخت هادر زمان های خطر افزود: حتی هوشناسی مانیز مانند سایر نقاط حادثه خیز در دنیا به زبان مردم با مردم حرف بزنند. اگر بتوانیم سطح حادثه را تخمین بزنیم و با مشخص کنیم، مابقی امداد و مدیریت بحران را هم مشخص می کنیم بعنوان مثال حادثه پلاسکو یک حادثه محلی بود ولی ما در سطح ملی عمل کردیم.



سیل و زلزله که در یک ماه گذشته شاهد آن بودیم تلفات و مشکلات روحی و روانی برای بازماندگان به وجود آمده است.

قاضی زاده هاشمی، افزود: سالانه بالغ بر ۱۸ هزار نفر در تصادفات جان خود را از دست می دهند و دهها برابر از این تعداد معلول، مجروح و یتیم می شوند. وی با اشاره به اینکه میزان افسردگی در جامعه افزایش یافته است، گفت: ۱۶ درصد خانم ها و ۱۰ درصد آقایان دچار افسردگی هستند.

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، گفت: دلیل افسردگی مشکلات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی است. اضطراب از دروغ ناشی می شود و در جامعه ای که دروغ گسترش پیدا کند استرس و اضطراب نیز افزایش خواهد یافت و به تبع آن افسردگی نیز گسترش می یابد.

قاضی زاده هاشمی با اشاره به اینکه پسا و ناامیدی از مشکلاتی است که جامعه تبلیغ می شود، گفت: ما در جامعه ای که پسا نهادینه شده باشد امید و شکوفایی نیست و باید اقداماتی صورت گیرد تا از ناامیدی برهیز شود.

وی گفت: کسانی که یأس را تبلیغ

پدیده

هفته نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

شنبه ۲۲ دیماه ۱۳۹۶ ۱۳۹۶ سال چهارم

شماره: ۳۳ صفحه: ۱۶ قیمت: ۲۰۰۰ تومان

April 22, 2016 www.padireshahr.com

۲ نیم نگاه

مهر



سیستم زهکشی آب های سطحی در شهر تهران دارای پیچیدگی های فراوانی است که بیشتر تحت تاثیر توسعه ناهمگون شهر در دهه های گذشته بوده است

سیل

مخاطر هادئمی پایتخت است

رئیس سازمان مدیریت بحران شهری تهران گفت: سیل، یکی از مخاطرات همیشگی پایتخت است که همیشه باید دست به آتشبار باشم احمد صادقی در خصوص برخی اظهار نظر هاشمی بر احتیاط ترسیل اسرار با بیان شرقی در تهران گفت: چنین موضوعی از سوی نهادهای رسمی مطرح نشده است اما یکی از مخاطرات مهمی که همیشه شهر تهران را تهدید می کند سیل است.

وی ادامه داد: ما تجربه سیل در تهران را بارها داشته ایم. مانند سیل تخریب سیلاب مترو و کن تهران شهری سیل خیز است. به گفته صادقی بعد از آیم و پوزر به دلیل افزایش ندر جیما آب شدن برف های زمستان و بارندگی های فصلی، شاهد سیل مستقیم و در این ایام باید شهر و نندان به توصیه سازمان های مسئول توجه کرده و هشدارها را جدی بگیرند.

وی در خصوص آخرین وضعیت سامانه هشدار سریع سیل تأکید کرد: مطالعات این کار انجام شده و پروژه مشترکی بین سازمان هوشناسی و شهری در حال انجام است که فعالیت های عملیاتی آن را در سال ۹۶ خواهد پدید.

صادقی بیان این که کلان شهر تهران با وسعتی در حدود ۷۰۰ کیلومتر مربع یکی از کلان شهر های مهم جهان با عوارض و مشخصات خاص است، افزود: سیستم زهکشی آب های سطحی در شهر تهران

دارای پیچیدگی های فراوانی است که بیشتر تحت تاثیر توسعه ناهمگون شهر بدون توجه به معیار های جامع شهر سازی و برنامه ریزی شهری و همچنین لحاظ محدودیت های طبیعی آن در دهه های گذشته بوده است. صادقی افزود: با توجه به اینکه تمامی محدوده کلان شهر تهران توسط کوه های بلند احاطه شده است، علاوه بر آب های سطحی در گستره شهری رواناب های ناشی از بارش در کوهستان های شمالی و شرقی تهران نیز توسط رودخانه ها و سیل های وارد محدوده شهری تهران می شود.

وی با اعلام این که وجود شیب محسوس نیز در محدوده شهر که از شمال به جنوب است موجب افزایش خسارت احتمالی در پایین دست برخی از مناطق تهران می شود، اظهار کرد: همچنین تخریب حوضه آبخیز بالادست نواحی شهری به صورت های مختلف از جمله تخریب پوشش گیاهی و جاده سازی، گسترش زیر و براضی شهری و صنعتی، کاهش نفوذ آب و افزایش رواناب راه به همراه داشته است، لذا باران های شدید و کوتاه مدت فرصت نفوذ به داخل خاک را نداشتند و در نتیجه بخش قابل توجهی از بارش به رواناب های سطحی تبدیل می شود.

به گفته صادقی، این امر باعث شده است تا رودخانه ها و سیل های حوضه های شهری تهران در درجه ریسک زلزله برای سیل خیزی و خسارات ناشی از آن بر خوردار شوند.

وی همچنین تأکید کرد: دستیابی به توسعه پایدار شهری نیازمند طراحی مدل های مناسب مدیریت و حفاظت رودخانه ها و مسیل ها در حوضه های آبخیز شهری است. صادقی بیان این که سیستم جمع آوری و هدایت آب های سطحی شهر تهران شامل ۴ قسمت عمده است، افزود: این ۴ قسمت عبارتند از: حوزه منتهی به سیل بر گردان شرق، حوزه منتهی به سیل بر گردان غرب و رودخانه کن، حوزه رود اور و حوزه مرگزی. وی با اعلام این که سیستم وضع موجود آب های سطحی شهر تهران دارای پیچیدگی های است که بیشتر ناشی از توسعه ناهمگون شهر است، تصریح کرد: توسعه شهری افزایش سطوح نفوذناپذیر را موجب شده که در نتیجه آن رژیم هیدرولیک منطقه را دستخوش تغییر می کند.

این مسئول ادامه داد: عدم ظرفیت هیدرولیک مقاطع وجود گلوگاه در مسیر کاتال، ایستگاه زبانه و سایر عوامل از جمله مواردی است که باعث آیر فکتی معابر شهری می شود.

وی افزود: بانگهای مختصر به نقشه آیر فکتی معابر مشاهده می شود که اکثر نقاط آیر فکتی در شبکه فرعی اتفاق افتاده و نقاط آیر فکتی در شبکه اصلی محدود است. رئیس سازمان مدیریت بحران شهری تهران، با بیان این که کمبود ظرفیت شبکه باعث تیریز شدن آب از شبکه و غرقاب شدن معابر و اراضی مجاور کانالها می شود، گفت: عوامل مختلفی در بروز آیر فکتی موضعی یا گسترده نقش دارند که از جمله آنها می توان به کمبود ظرفیت کاتال، وجود گلوگاه در شبکه، ایستگاه رسوبات و زبانه در سیلاب و هوا عدم یکساز و لایروبی منظم آنها اشاره کرد.

روز گذشته، مدیر عامل آب منطقه ای تهران اعلام کرد: در چه جریان یافتن آب ناشی از ذوب شدن برف ها برای افزایش سطح ذخایر آبی پشت سد ها و به تبع آن کاهش مشکلات ناشی از کم آبی موثر است، اما حجم آب ناشی از ذوب شدن برف ها همگام است به سیلابی شدن رودخانه های استان تهران منجر شود. به گفته وی در حوزه های رودخانه های شمال تهران مثل واریک، مقصود بیگ، کن، فیروز کوه و رودخانه های که عمدتاً از آنها سه ها می مثل وجود ندارد، در همین خاطر با گرم شدن هوا و بارش های احتمالی پیش بینی سیلاب داریم که باید مردم به این هشدارها و احتمالات بر سیلاب دقت کنند.

محله وصال



در نشست هم اندیشی هفته نامه «پدیده شهر» با شورایاران محله وصال مطرح شد:

«وصال» لاتن گمشده شهر تهران!

در ادامه محله کردی های هفتگی مان به محله «وصال» در منطقه ششم محلات تهران در شمار محلات محروم منطقه قرار دارد. درد دل های شورایاران و اهالی محله طولانی و مفصل است. آنچه در زیر می آید ماحصل حضور مادر این محله می باشد که تقدیم می شود:

لازم به توضیح است «محله لاتین» یا «محله لاتن» در محله پنجم و قسمتی از محله ششم پاریس و پیرامون دانشگاه سوربن قرار گرفته است. این محله به دلیل وجود دانشگاه های از جمله دانشگاه سوربن، دانشگاه پاریس ۲ یا دانشگاه پانتئون، دانشگاه پاریس ۶ دانشگاه پاریس ۲ یا دانشگاه سوربن جدید، کالج فرانسه (کولژ دو فرانس)، اکول نر مال سوپریور، مدرسه عالی معدن و دانشسرای عالی ملی هنر های زیبای پاریس و همچنین به دلیل نزدیکی به مدارس و کالج های معتبر و تاریخی محل رفت و آمد استادان و دانشجویان بسیاری است. محله لاتین (لاتن) به دلیل وجود کافه ها و بیسترو های موجود در آن معروف است.



توجه به ساختار محله چقدر است؟ گفت: با توجه به این نکاتی که خدمت شما عرض شد. بنده می خواهم سوال شما را به صورت کوتاه پاسخ دهم.

پس توجه به تغییر جمعیت محله و یافت جمعیتی و افرادی که در این محله و افرادی که به عنوان خانواده تعریف می شدند، این افراد مهاجرت کردند و از این محله رفتند. در مقابل آن افرادی که آمدند ناخواه هستند. یعنی اینکه ممکن است آن شکل خانواده را نداشته باشند.

دو نفر یا سه نفر با هم، دانشجوی باشند، منزلی که به صورت مجردی اداره می شوند. شرکت هایی به صورت چراغ خاموش یعنی ممکن است هیچ تابلی نداشته باشند، هیچ معرفی از خودشان ندارند، وقتی ما یک پیمایش پلاک به پلاک داشتیم و رفیقیم در منازل و خواستیم در طرح رصد کیفیت زندگی در این محله را بررسی کنیم، دیدیم که خیلی زیاد است، افرادی که ما داریم زنگ می زنیم؛ ولی این ملک مسکونی نیستند! یعنی خانواده در آنجا ساکن نیستند! یا اینکه خیلی از آن ها سعی می کردند که ظاهر خود را حفظ کنند، ولی شما وقتی دو تا سوال می پرسیدید متوجه می شدید که منزل مسکونی نیست.

میراز در پاسخ به اینکه از این پیمایش محله ای به چه نتیجه ای رسیدید؟ نیز اظهار داشت: مشارکت اهالی دیگر منحصراً به دو نفر نیست.

می خواهم بگویم با توجه به این موارد و اینکه محله وصال شیرازی تقریباً بیش از یکسال است که دارای ساختمان سرای محله شده است، این محله جزء محله هایی بوده است از زمانی که سیستم مدیریت محله آغاز شد و بحث شورایاری مطرح شد، جزء آخرین دسته از محله هایی بود که فضای سرای محله برای آن تهیه شد، آن هم با توجه به مواردی که اعضای شورایاری اشاره کردند، از رحمت و پیگیری مجذبه اعضا معاونان آن ها در سال های اخیر است.

وی در خصوص میزان مشارکت مردم نیز افزود: وقتی می خواهم میزان مشارکت را بگویم باید عوامل آن را در نظر بگیرم، با توجه به همه مسائلی که اشاره شد ما در ابتدای سالی که فعالیت خود را شروع کردیم، یک کاری از صفر آغاز شده است، به طور قطع میزان مشارکت هنوز به نقطه مطلوب نرسیده است اما مشارکت شروع شده است.

وی در پاسخ به اینکه الان مشارکت در چه نقطه ای است؟ روزانه چقدر مراجعه کننده دارید؟ گفت: الان نسبت به روز آغازین افزایش چشمگیری داشتیم. اگر ما در طول فروردین ماه سال ۱۳۹۵ روزانه ۱۵ نفر به سرای محله مراجعه کننده داشتیم، فعلاً این مراجعه کنندگان روزانه به ۱۱۵ نفر رسیده است.

وی در خصوص طرح پلاک به پلاک و شناسایی میزان سکونت در محله گفت: یک طرح گسترده ای بود که نتایج مختلفی داشتند آن چیزی که قابل توجه و ملموس



خیابان های آن می بینند، این مواردی که بنده خدمت شما می گویم یکی دو مورد در طول روز نیست، شما اگر در طول روز مراجعه کنید، رانندگانی هستند که به صورت رتین می آیند و می روند، این هم موردی هست که ساکنان این محله با آن دست به گریبان هستند!

قریبی در ادامه خاطر نشان ساخت: مسئله بعدی با توجه به نزدیک بودن به مرکز شهر چهارراه ولیعصر و میدان انقلاب خیلی از مراکز آموزشگاه های خصوصی این فضا و این محله را خیلی مناسب می بینند که یک ساختمان را در این محله داشته باشند.

برای مثال شاهد حرف من، دفتر مرکزی قلمچی، دفتر مرکزی گاج در این خیابان ها هستند. بعد از اینکه این دفاتر مرکز به آنجا آمدند، آمدند ملک پشت آن را گرفتند و آموزشگاهی زدند، این یک مورد و مورد بعدی دانشگاه های علمی - کاربردی است که به صورت قارچ گونه شما هر کجای محله می روید، این دانشگاه ها می بینید.

یکی از کوجه های که بنده دوست دارم به آن اشاره کنم، کوجه نابی است. در این کوجه هر کدام که می آیند و با ما صحبت می کنند، می گویند که ما ناچار هستیم، از این کوجه برویم.

می گویند ما این محله و کوجه را دوست داریم؛ فضا و موقعیت آن را دوست دارم، آمدیم این طرف دانشگاه هنر را زدیم، افرادی با روحیه های خاص، این دانشگاه فضا ندارد، مجبور هستند وارد کوجه و خیابان شوند، در کوجه فرعی روبه رو که خیابان نابی باشد، مسائل خاص خودش را ایجاد می کند، اغلب اهالی محله مردم سستی هستند؛ موارد دینی و اخلاقی برای آن ها اهمیت دارد. انتهای این کوجه یک دانشگاه علمی کاربردی هست، وسط کوجه دانشگاه ارشد دارو روز آن ممکن است که خیابان های آن خیابان های خلوتی باشد، آبی هم از سازمان آب نباید. ما در خیابان اصلی محله که خیابان نادری باشد، مشکل و بحث جمع رانندگان تاکسی را داریم و شنش خودروهایی آن ها که برای ساکنان محله ایجاد در دست می کند! یعنی افرادی که در این محله هستند، وارد خیابان نادری شوید، همیشه آبی را می بینید که جاری هست، حالا جدای از این مورد آسبکی که

سعید قربانی مدیر محله وصال شیرازی در نشست هم اندیشی محلات تهران مشکلات محله را مطرح کرد و گفت: محله وصال شیرازی با توجه به قرار گرفتن مراکز کوه و علاوه بر اینکه فرامحله ای هستند، حتی ممکن است که فرامحله ای از شهرهای دیگر در این محله رفت و آمد دارند، قرار گرفتن در محدوده میدان انقلاب و چهارراه ولیعصر و میدان ولیعصر و بلوار کشاورز، به طور طبیعی به این محله اهمیت بخشیده است.

پوجود دانشگاه تهران در محله ما باعث شده است که جمعیت دانشجویان شهرهای دیگر را در این محله داشته باشیم و وجود خوابگاه های متعدد با پانسون های شخصی مواردی است که در این محله وجود دارد، هم در ملک های که دانشگاه تهران تملک کرده است و درون طرح دانشگاه تهران است و هم در ساختمان های خارج از آن.

وی افزود: این موارد قطعاً مسائلی را در پی خواهد داشت. الان به طور مثال خوابگاهی که در کوجه وصال به تازگی احداث شده است، خیابان کوجه از قدیم یکی از کوجه های شاخص این محله بوده است! ملک های خوب، کوجه ها و خانه های دوبر و افراد قدیمی که در این محله ساکن بودند.

این محله ساکن بودند.

یکی از ملک هایی که آمدند خریداری کردند و خوابگاه در آنجا راه اندازی شده است، قطعاً یک خوابگاه پسرانه تبهات خاص خودش را دارد. از سیگار کشیدن در بالای پشت بام گرفته تا لباس های آزاد و مزاحمت همسایه کساری و صحبت کردن و ... می خواهم بگویم مسائلی آن از این مسائل جزئی شروع می شود و مسائلی که عده ای جوان در مرکزیت محله دور هم اجتماع می کنند، قطعاً تبعاتی را خواهد داشت.

وقتی می خواهم میزان مشارکت را بگویم باید عوامل آن را در نظر بگیرم، با توجه به همه مسائلی که اشاره شد ما در ابتدای سالی که فعالیت خود را شروع کردیم، یک کاری از صفر آغاز شده است. به طور قطع میزان مشارکت هنوز به نقطه مطلوب نرسیده است اما مشارکت شروع شده است

جمع رانندگان و شنشجویی مسائلی محله است

این فعال اجتماعی افزود: این محله چون در مرکز شهر قرار گرفته است و از قدیم محله خوش آب و هوایی بوده است. در طول روز آن ممکن است که خیابان های آن خیابان های خلوتی باشد، آبی هم از سازمان آب نباید. ما در خیابان اصلی محله که خیابان نادری باشد، مشکل و بحث جمع رانندگان تاکسی را داریم و شنش خودروهایی آن ها که برای ساکنان محله ایجاد در دست می کند! یعنی افرادی که در این محله هستند، وارد خیابان نادری شوید، همیشه آبی را می بینید که جاری هست، حالا جدای از این مورد آسبکی که

محله «وصال»؛ نه محله خوابگاه ها!

طرح تفصیلی عامل شب مردگی محله!

از آنجا که کج نکند مانند اتفاقی که در منطقه ۱۲ شاهد هستیم. چتر شهرداری تهران در منطقه ۱۲ هزینه می کند و پول خرج می کند که آن منطقه ۱۲ را که مردم تخلیه کردند و از آنجا رفتند، سکونتگاه شود و محل رفت و آمد مردم شود. در واقع از حالت کسول بودن و بیکاری و اعتیاد و جای خلاف، قطعا وقتی مکانی محل سکونت نباشد، خلاف صورت می گیرد. لذا وقتی مردم برگردند و زندگی کنند، الان دارد میلیارد و میلیارد هزینه می کند که برای مثال منطقه محروم هرندی را اسکونتگاه کند و محله سرویس سکونتگاه شود و مردم به زندگی عادی و اجتماعی قدیمی خودشان برگردند. قطعا مردم به سختی برمی گردند، الان دارد هزینه می کند! بنده اعتقاد دارم که به همین زودی های زود شاید به ۱۰ سال آینده هم نرسد، این محله (وصال) گرفتار همان مسائلی که بر سر منطقه ۱۲ آمده است، با همان منطقه ۶ گرفتار همان باشد.

این فعال اجتماعی در پاسخ به چرایی این مشکل گفت: به این علت که در منطقه شش به خصوص در جنوب آن که شامل محله مسا و محله مردم ولیعصر و محله فاطمی می شود شهرداری در خانه های مردم مجوز تجاری و اداری می دهد یا پلاک را ۳۰۰، ۲۰۰ زمین زمین مسکونی که طرف می خواهد بسازد و در آن زندگی کند، اما شهرداری می گوید که به اجبار یک واحد اداری از ما بخرید! آقامن نمی خواهم بخرم، می خواهم در آن زندگی کنم و خانواده ام در آنجا ساکن شوند، می خواهم فایلم ساکن شود یا بفرشیم. پلاک من پلاک مسکونی است. شهرداری می آید آن ها را به اداری تبدیل می کند! ایمانی یادآور شد: این روند تقریباً از زمان طرح تفصیلی یعنی از سال ۹۲ شروع شده است.

الان زمین ها و ملک هایی که بخواهند برون برای ساخت و ساز برون بگیرند، به اجبار باید این کار را انجام دهند. یعنی جدید نیست، یعنی نسا، بنده و هر کسی، بخواهم فردا بروم مجوز بگیرم، شهرداری یک طبقه به عنوان مجوز تجاری و اداری تعیین می کند. پول آن هم از شما خواهد گرفت! نکته بعدی این است که تقریباً این محله و اطراف آن مسکونی بوده است، الان پاساژ شده است، الان کوچه هایی که

در یک زمانی این محله بالای شهرشان بوده است! این را از کجا متوجه می شویم از ساختمان های بزرگ و خانه های خیلی بزرگ و وسیع و ویلاهایی که هم باغ بوده و هم خانه بوده! این موارد از نشانه های آن است. به تاریخ هم که نگاه می کنیم در ۵۰ سال اخیر ساختمان بلندمرتبه اولین بار در محله وصال صورت گرفته است. مانند ساختمان وزارت کشاورزی و ساختمان سهیل عبوری که کرده است. که در اطراف آن این ساختمان ها بلندمرتبه سازی و برج سازی شده است. حالا به واسطه آن زمان که ایران هم تحت مستعمره بوده است، قطعا فرانسوی ها تاثیر گذاشتند و الان هم به طور تقریبی می توان گفت که برخی از آن ها توسط افراد فرانسوی ساخته شده است!

در واقع یک قدمتی از یک تاریخی بوده است که محله وصال شیرازی که در شمال آن در این اواخر تقسیم بندی کردند، تهران را به ۳۵۴ محله که ما در میان یکی از محله ها قرار گرفتیم، محله ما که نام آن وصال شیرازی شده است، خیابان وصال شیرازی در گذشته نام آن دانشگاه تهران بود ولی چون آنجا یک مرکز آموزشی و فرهنگی بوده است، برای اینکه به آن محلیت بدیم، نام آن عوض شده است و محله وصال شیرازی شده است که از شمال به بلوار کشاورزی می خورد، جنوب آن خیابان انقلاب و غرب به خیابان ولیعصر و شرق آن به خیابان کارگر شمالی، این از حدود و موقعیت محله، که تقریباً حدود ۱۲ تا ۱۱ هزار نفر جمعیت دارد، خیلی از مراکز فرهنگی مانند بسیاری از مدارس خوب منطقه ۶ در این منطقه واقع است. چهار بیمارستان بسیار خوب و سازمان ها و وزارت خانه های که در واقع فرهنگی هستند، در این محله واقع شده اند.

طرح تفصیلی زندگی در محلات تهران را به چالش کشیده!
این شورابار با سابقه محله وصال در ادامه به دیگر مشکلات و چالش ها پرداخت و افزود: از جمله مشکلاتی که ما داریم در خصوص طرح جدیدی است که به منطقه شش هم ابلاغ شده است، طرح تفصیلی که در سطح تهران اجرا شده و شامل حال منطقه شش هم شده است. متأسفانه این طرح تفصیلی در برخی مناطق باعث شده که مردم

ایمانی دبیر شوراباری محله وصال شیرازی در جریان برگزاری نشست هم اندیشی بررسی چالش ها و فرصت های محلات شهر تهران با اشاره به اینکه از ابتدای شروع شوراباری ها در این محله بود و خدمت گذار مردم هستیم، اظهار داشت: افتتاح دارم که در واقع خدمت کوچک انجام داده و شوراباری از لحاظ اجتماعی می توان گفت که پایین ترین رده است که می توانیم خدمت مستقیم داشته باشیم. شوراباری ها در واقع از مردم برای مردم در پایین ترین سطح هستند.

وی پیش از آنکه به تشریح وضعیت محله وصال شیرازی بپردازد به تهران و قدمت محله هایش پرداخت و افزود: به طور کلی تهران، به تناسب قدمت زیاد جز کهن ترین شهرهای ایران است و از قدمت بالایی برخوردار است، به تاریخ هم نگاه می کنیم در زمان سیدالشهدا (ع) به طمع ملک ری عده ای رفتند و با پسر پیغمبر جنگ کردند و خب ملک ری از قدیم ایلام دارای اهمیت استراتژیک و خاص بوده است که به جنگ پسر پیغمبر رفتند. به تبع آن ملکی چون نزدیک کوه های شمیران و داموند و کوهپایه محسوب می شود، تهران طبعاً پایه گذاری شده است. تهران هم به علت خوش آب و هوا بودن از شهرهای قدیم ایران است که سابقه درخشانی از هر نظر که نگاه کنیم، دارد تاریخی که به عنوان پایتخت معرفی می شود.

این فعال اجتماعی در ادامه افزود: تهران با این قدمت از چند محله تشکیل شده بوده است. مانند محله های که در داخل شهر هستند، محله پامنار و چانشار؛ آن ها محله های قدیمی تهران است که پایه گذاری شده است و در آنجا سکونت داشته اند. قطعا این موارد محله های هستند که در آن زندگی می کردند، خانه هایشان آنجا بوده و سکونت می کردند. امراض معاش می کردند و بازاری داشتند.

با این تفاسیر باید یک جایی را یادداشتند که برای تفریح و عوض کردن آب و هوا به آنجا بروند. در واقع آن زمان خیابان وصال شیرازی همان کاخ سابق که الان نام آن فلسطین است، یکی از بزرگ ترین افراد جامعه در این محله سکونت داشتند، نشانه آن بلوار کشاورز است که در واقع آب کرج از آن عبور می کرده است!

جای تفریحی بوده است، مردم معمولی که در آنجا حضور داشتند، به عبارتی



یک محله محروم و کوچک ۱۴ تا کافی شاپ دارد، بنده آمار در آوردم به نظر شما می که دارید کار رسانه انجام می دهید آیا در یک محدوده ای به این کوچکی این ۱۴ تا کافی شاپ نیاز است؟ این موارد را کجا می آید. آن ها از کجا می آید آن ها اغیار هستند که از محله های دیگر تهران و چه بسا از افرادی که در خوابگاه ها هستند، در کافی شاپ ها حضور می یابند!



۱۰ درصد مسکونی بوده اند، برای مثال کوچه ششم غربی، کوچه طوس در اطراف و شرق خیابان فلسطین، خیابانی که یک زمانی نام آن کاخ بوده و اسمی برای خودش داشته است، الان شرق و غرب آن خیابان تجاری شده است! کوچه های که به این خیابان ها منتهی می شود، طبیعتاً طرف می بیند که در آن سود هست، بنده که دفتر اداری تبدیل می کند. بنابراین شما در روزهای پنجشنبه و جمعه می بینید که ساکنان آن کم است. یا بعد از ساعت اداری (۵، ۶ بعد از ظهر) افراد تعطیل شدند و به خانه هایشان رفتند. پس چه کسی این کار را انجام داده است؟ خوب این کار وقتی ابلاغ می کند. وی در خصوص آفات بر جای مانده اظهار داشت: خوب به خودی خود آفات آن این است که می شود شب مردمی می شود، محله مرده، سکونت



بگیرید و از لحاظ تخلیه زباله که در طول روز دوم تبه ۹ صبح و ۹ شب تخلیه می شود. مردم خیلی راضی هستند، فقط این مشکلی که داشتند، مشکل موش بود که آن هم یک ماهی هست که در حال رسیدگی است! حتی آمدند امروز نمازهای که یکسال بسته است، دنبال صاحب آن می گردند و می گویند نکند مرکز موش بوده است.

مردم راضی هستند!

بیژن میرزا که دو دوره در شوراباری محله عضویت دارد در ادامه نشست به مشکلات محله پرداخت و گفت: به قول همکار عزیزم جناب آقای ایمانی مشکلات که وجود داشته در ابتدای پیدایش مشکلات شوراباری موارد زیاد بوده است؛ ولی با پیگیری های اعضای شوراباری و هماهنگی شهرداری آن ها رفع شده و مدیریتی که الان شهرداری منطقه ۶ دارد؛ مدیریتی که نواخی دارند و بسیار قابل توجه است، هیچ مشکلی از لحاظ محلی نداریم؛ وی در پاسخ به این که محله فاقه مشکل است افزود: بله، چون واقعا مدیر و شهردار ناحیه، من خودم می بینم که ۵ صبح در خیابان است، ۱۱ صبح در خیابان است و همیشه در حال رسیدگی است! کوچک ترین ایرادی که محله ما داشته باشد، در طول ۲۴ ساعت رفع می شود!

میرزا در باره فعالیتات مردم نیز گفت: مردم همه راضی هستند، چون با ما در تماس هستند. از لحاظ آسفالت بگیرد و از لحاظ جدول بندی



سرخود آمدند کافی شاپ زدند. این موارد معضلات اساسی محله‌هاست.

مردم از پرداخت هزینه فرار می‌کنند

این فعال اجتماعی افزود: نکته دیگر اینکه سرای محله چون سیاست شهرداری بر این است که محله‌ها خودگردان و خودمحمور باشند، از جیب خود هزینه کنند. اما مردم برای مردم، برخی از محله‌ها در تهران چون در آن‌ها امکانات و فضاهای اجتماعی و ورزشی زیاد بوده و در اختیار سرای محله است، درآمزی خیلی خوبی دارند، ولی متأسفانه در محله‌ها سرای از یک متر فضای فرهنگی و اجتماعی که ما به نام آن استفاده کنیم، حتی برای آموزش زیادی بر گزار کنیم و به مردم فشار بیآوریم که بر گزار این کار منوط به این است که شما باید هزینه پرداخت کنید. خب مردم فرار می‌کنند؛ چون باید هزینه پرداخت کنند!

با شهرداری تعاملان خوب است

ایمانی در مورد عملکرد شهرداری و شورای شهر نیز گفت: چون از ابتدای شورایاری‌ها بودیم، ما اوایل خیلی با شهرداری مشکل داشتیم، یعنی خیلی با هم درگیر بودیم و بحث می‌کردیم، رودرو بودیم و مشکلات زیادی داشتیم. خب زمان برد، الحمدلله الان رابطه ما با شهرداری مشکلی نداریم، اگر شما تاریخ ۱۲۰۰ سال اخیر را ببینید شورایاری را نگاه کنید، ما در گذشته توقعاتی داشتیم و اولویت‌های داشتیم برای مثال اسفالت کوچه، جدول فلان کوچه، نمی‌دانم کاشت درخت در فلان کوچه... ما الان از این موارد عبور کردیم، یعنی به مرور زمان و با تعاملی که شهرداری داریم، حل شده است.

ان اصلا از این نوع مشکلات با شهرداری نداریم، یعنی اگر هم به وجود بیاید بندگان خدا با کوچکترین تلفن، در این طرح جدید تقسیمات شهرداری است، لایحه محوری هم که شده است، به خصوص شهرداری ناحیه ۱۲، اقدامات آن به سرعت انجام می‌شود.

وی در مورد عملکرد شهرداری نیز خاطر نشان کرد: قضاوت ما نسبت به عمران و آبادی تهران خب انصافا خوب کار شده است.

ما راضی هستیم، به ویژه شهرداریانی که آمدند خیلی تعامل ما بهتر و بیشتر بوده است و مشکل آنجانبی نداشتیم، برای مثال ما درخواست کرده بودیم، خیابان طالقانی حالا به علت عدم بودجه درست نشده است، ولی ضلع جنوبی آن پیاده‌سازی شده است. الان درخواست کرده بودیم که خیابان بلوار کشاورز و... خیلی بلوار خوب و زیبا قدمت دار هست، الان سنگ‌فرش آن در حال تعویض است و درختکاری انجام شده است، بنده عرض کردم ما اصلا با شهرداری و آن بندگان خدا هم ارتباطشان با ما خوب بوده است و کارها در حال انجام است.

بدهند، خداحافظ شما. کلید دست آن‌هاست، ملک برای آن‌هاست، مردم می‌روند دنبال کار خودشان. بنابراین استفاده از زمین‌ها برای ساخت و ساز و با هر کاری که می‌خواهند انجام دهند. با این کار زمین‌ها را فریبز کردند تا یک کار انجام شود و دانشگاه توسعه پیدا کند. حالا چه زمانی... خدا می‌داند... تا زمانی که نرسیده است، فعلا می‌شود به عنوان ملک بهینه از استفاده کرد.

محله ۱۴ کافی شاپ دارد اما یک مرکز توره بار ندارد!

ایمانی شورایاری محله وصال گفت: یک مشکل دیگری که ما در محله داریم، عرض کردم خدمتتان محله یک محله قدیمی است. زمین‌ها بزرگ و قواره‌ها بزرگ است. بعد به علت عدم وجود ملک بدون استفاده از مردم، می‌خواهند بفروشند، مردم آن را نمی‌فروشند! مشکل دیگری که ما در محله داریم، این است که ما الان چقدر ناله و فریاد زدیم، گفتیم به داد این ملت برسید، اینکه تره‌بار کوچک، و یک بازار روز در قواره محله باشد، تأمین و درست شود. این مورد هم عرض کردم به علت عدم وجود ملک و اگر هم باشد، قیمت آن گران است. شهرداری می‌گوید ما حاضر هستیم، بخریم، ولی توان نداریم، ملک نیست و اگر هم باشد، چون قدیمی است و ملک‌ها تجاری و گران است، شهرداری می‌گوید برای ما مقرون به صرفه نیست که میلیاردها پول بدهیم یک ملک خریداری شود که یک تره‌بار در آن زده شود!

وی در ادامه به مشکلی دیگری که در محله وجود دارد اشاره کرد و گفت: یک محله محروم و کوچک ۱۴ تا کافی شاپ دارد، بنده آمار در آوردم به نظر شما می‌دهد آیا کار دیگر رسانه انجام می‌دهد آیا در یک محدوده‌ای به این کوچکی این ۱۴ تا کافی شاپ نیاز است؟ این موارد از کجا می‌آیند. آن‌ها از کجا می‌آیند آن‌ها اغیار هستند که از محله‌های دیگر تهران و چه بسا از افرادی که در خوابگاه‌ها هستند، در کافی‌شاپ‌ها حضور پیدا می‌کنند!

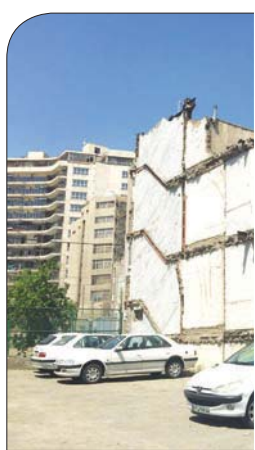
بنده با کافی‌شاپ مخالفت نمی‌کنم، اما باید حد آن را رعایت کرد و استاندارد دارد. در کوچه و پس‌کوچه‌های و خانه‌های خیلی مخفی و مغازه‌های مخفی خب کافی‌شاپ زده شده، از این طرف و آن طرف سوال می‌کنم، می‌گویند ما مجوز نداریم! پس چه کسی مجوز داده است! یعنی آن‌ها

آذین گرفته تا کوچه عباس شفیع، کوچه بهنام و... همه مسکونی بوده و مردم در آنجا زندگی می‌کردند. ولی بعد در طرح توسعه دانشگاه تهران مردم این ساختمان‌ها را تخلیه کردند و کار می‌باید این‌ها را با قیمت بالا دانشگاه تهران، البته ما نمی‌خواهیم به کار خرید و فروش دخالت کنیم! دانشگاه تهران این خانه‌های مردم را خریداری کرده است، این موارد خودش عامل دیگری است که مبنی بر تخلیه محله است.

دانشگاه تهران ساختمان‌ها را خریداری کرده است، ملک‌های آن‌ها را خریده است و آن‌ها هم رفتند در مناطق دیگر زندگی می‌کنند، در واقع آن خیابان و وصال شیرازی تا قدس و خیابان پورسینا و ۱۶ آذر هم همین‌طور است. روزی برای سکونت مردم بوده است، اما الان یا خوابگاه شده است و یا زمین‌های بسیار خوب همین‌جوری رها شده‌اند! چالش دوم در مورد سکونت‌گاه‌ها بود.

محله بر از زمین خالی شده!

وی افزود: چالش سومی که ما الان داریم، همین ملک‌های که عرض کردم آن‌ها را دانشگاه تهران خریداری کرده است، دانشگاه تهران یک مرکز دولتی است، بیت‌المال هست، این مردم هم بیت‌المال هستند، الان اسفالت که در اطراف دانشگاه تهران خریداری شده است و ما مالک آن دانشگاه است و پلاک آن‌ها نیست. آمدند فنس کشی کردند و اسفالت کشی شده است، خیلی هم زمین‌ها بکسر و تمیز چهار گوشه مربع و مستطیل و خیلی ریا محله‌ای که در دفتر فرهنگی در آن هست، دفتر فرهنگی یعنی اینکه ما مرکز فرهنگی و اجتماعی نداریم برای مثال یک زمین چمن ورزشی نداریم، زمین فوتبال نداریم که بچه‌ها بازی کنند، این همه زمین در اطراف دانشگاه تهران، است. طرح توسعه دانشگاه تهران سال‌های زیادی به درازا کشید، خب آن زمین‌ها آنجا رها شده و الان لانه موش و سگ و زباله‌دانی شده‌اند! ما اعتقاد داریم که آقا برادر من، آقایان محترم و مدیران عزیز، این ملک اینجا افتاده است و دانشجویان شما در این اطراف زیاد هستند، همین خوابگاه‌ها در این اطراف زیادند، این زمین‌ها آماده‌اند، کلید آن‌ها را بدهید تا آن‌ها را تجهیز کنیم، شهرداری آن را تجهیز کند تا ساعت ۲ بعد از ظهر در اختیار شما باشد. از آن ساعت به بعد در اختیار مردم محله باشد، بچه‌های این محله بیایند، فوتبال بازی کنند! این کار غیراجتماعی است، اتفاقا کار بسیار پسندیده‌ای است! حالا هر زمانی که خواستند، طرح انجام



در آن وجود ندارد! ایمانی در این خصوص که چند درصد از محله به این صورت در آمده است گفت: الان تمام ملک‌هایی که می‌خواهند برون‌د به تازگی خرید کنند، پروژه ساخت به آن‌ها مجوز می‌دهد و محله ما ۱۳، ۱۴ هزار نفر جمعیت دارد، الان شده ۱۰، ۱۱ هزار نفر آن هم جمعیت کاذب، خب مشخص است که افراد از این محله رفته‌اند.

این آمار را اداره آمار می‌گویند، این محله در ۱۰ سال پیش ۱۴، ۱۳ هزار نفر جمعیت داشته است! الان ۱۱ هزار نفر جمعیت است. خب این جمعیت به کجا رفته است؟ پراکنده شده است. این مورد یک عامل آن که جمعیت تخلیه شده است، عامل دیگر به هر حال یک سوم محله ما در واقع دانشگاه تهران گرفته است. در طرح توسعه که از سوی دانشگاه تهران ابلاغ شد، از خیابان قدس تا خیابان وصال شیرازی آن‌ها کوچه‌های خیلی خوب از کوچه



نماد صدساله علمی کشور پلان کلیف است

دانشگاه تهران تنها نماد علمی کشور و شهر تهران نیست بلکه نمادی از تاریخ کشور است. فکر تأسیس دانشگاه تهران توسط دکتر سنک نماینده مجلس در دوره پهلوی اول در سال ۱۳۰۵ مطرح شد. اما کلیات طرح تأسیس دانشگاه تهران از سال ۱۳۰۷ توسط محمود حسینی به وزیر فرهنگ وقت علی اصغر حکمت پیشنهاد شد.

طرح تفصیلی تأسیس دانشگاه تهران هم در سال ۱۳۱۰ تهیه و به وزیر فرهنگ تقدیم شد و تالاشی های دکتر حسینی و مذاکرات وی با نمایندگان مجلس، این طرح در سال ۱۳۱۲ به مجلس رفت و در سال ۱۳۱۳ از تصویب مجلس گذشت.

از آن سال ها نزدیک به یک قرن می گذرد و این بردیس علمی با طراحی سرد معروف خود به بزرگترین نماد علمی کشور تبدیل شد و نمای سردر آن روی اسکلت های ایرانی نقش بست. همسایگان این نماد علمی نیز با گذشتن از دانشکده های شاهد حوادث فرهنگی اجتماعی و سیاسی زیادی بودند و راسته های فرهنگی مانند خیابان انقلاب با دانشگاه تهران شکل گرفت. اما گویا هر قدر که اهمیت این نماد علمی در کشور و دنیا بیشتر می شد، به همان اندازه محله های اطراف آن که می توانست از همجاری با دانشگاه تهران رشد کمی و کیفی داشته باشد از حرکت ایستاد. خانه های زیبای آجر قرمز خیابان ۱۶ آذر، دوار در برون، پورسینا، دانش فرو... یک به یک به دلیل اجرای طرح توسعه دانشگاه فراموش شدند و گرد فرسودگی بر چهره شان نشست.

پردیس علمی رو با پاکبوس!

۶۲ سال بعد از به زمین خوردن کنگ دانشگاه تهران بود که دولت هفتم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تصمیم گرفت تا با اجرای طرح توسعه دانشگاه تهران، بر حسستگی های این نماد را بیشتر و این دانشگاه را به بزرگترین مرکز علمی و تحقیقاتی کشور تبدیل کند. سال ۱۳۷۵ بود که طرح توسعه دانشگاه تهران در مجلس رای آورده و این طرح تا سال ۱۳۸۳ کاملاً متوقف مانده بود تا اینکه در این سال اعتباری برای این طرح اختصاص داده و مقر طرح تملک و توسعه در مدت کوتاهی به اتمام رسید. بین سال های ۸۲ تا ۸۶ طرح تملک املاک اطراف دانشگاه تهران به نظر می رسد که به خوبی پیش رفته است به گونه ای که در سال ۸۴ تا ۸۶ نزدیک به هزار واحد مسکونی و تجاری توسط دانشگاه خریداری شد. برخی املاک که قابل استفاده بود برای فعالیت های آموزشی و پژوهشی اختصاص داده شد و برخی نیز تخریب شد تا بر اساس طرح توسعه به فضای سبز و پارکینگ تبدیل شود.

اکنون برخی از این زمین های مخروبه که اسفالت شده است و نرده های آهنی حیرم آن را مشخص کرده است؛ به پارکینگ تبدیل شده است هر چند مدیران دانشگاه تهران بارها به این مساله اشاره کرده اند که قرار نیست برای همیشگی این زمین ها به عنوان پارکینگ استفاده شود.

در این میان تملک املاک وجود دارد که توسط دانشگاه تهران خریداری شده اما با توجه به اینکه با املاک دیگران مشاع بوده ماند خرید یک دو واحد یک مجموعه آپارتمانی؛ تخریب نشده است اما مخروبه شده است.

اگر گذران به خیابان ۱۶ آذر، قنس، پورسینا و یواصل شیرازی بپیفتد می توانید خانه های مخروبه خالی از سکنه و یازمین های اسفالت شده ای را ببیند. زمین هایی که به امید اجرای طرح توسعه دانشگاه ها شده اند. در یک گشت و گذار کوتاه می توان فهمید که اینجا ملک سه دسته هستند تجاری، مسکونی و اداری. انطور که پیداست دانشگاه تهران با ساختمان های اداری مشکلی ندارد چرا که در اختیار دستگاه های دولتی است و در زمان اجرای طرح توسعه طبق قانون باید به دانشگاه واگذار شود. از قرار معلوم در بخش تجاری هم مشکلی پدید وجود داشته باشد چرا که کسبه این املاک اکنون به تاجران مشغول هستند و در زمانی که قرار باشند این املاک به دانشگاه واگذار شود به قیمت یک ملک تجاری خریداری می شود. برخی از املاک تجاری ای که دانشگاه اقدام به خرید آن کرده است نیز دوباره به مستاجر جدید اجاره داده شده است تا همین اجاره ها منبع درآمدی برای دانشگاه تهران شود. اما معدوم ترین مشکل دانشگاه املاک مسکونی است به دلیل اینکه بخشی از طرح تملک شده این افراد آسایش ندارند البته مسئولان دانشگاه تهران امیدوارند که اگر دولت اعتبار کافی اختصاص دهد ظرف دو تا سه سال خرید املاک این افراد تمام خواهد شد.

دست و پا زدن در بزرگ دانشگاه تهران

ساکنان اطراف دانشگاه تهران چند سالی می شود که دیگر از همجاری با این نماد فاخر علمی لذت نمی برند. اهالی محله وصال اعتقاد دارند: «... چند سالی می شود که زحمت های دانشگاه تهران بیشتر از خیر و برکت آن است...»

ساکنان محله وصال از اجرای نصفه و نیمه طرح توسعه دانشگاه معترض هستند: «... تا قبل از اجرای این طرح در محله های منتهی به دانشگاه تهران حدود ۱۳ هزار نفر جمعیت سکونت داشت و با اجرای نصفه، نیمه این طرح اکنون جمعیت ساکن در این محدوده به ۱۰ هزار نفر رسیده است. کاهش جمعیت به این دلیل روی داد که دانشگاه تهران خانه های زیادی را در این محدوده تملک کرد. خانه هایی که استاندارد و بزرگ بود و مردم به راحتی در آن زندگی می کردند... در همان سال هایی که مسئولان دانشگاه اقدام به خرید املاک کردند برخی راضی و برخی ناراضی از این محل رفتند...»

خانه های زیادی با تیغ بلدوزرها تخریب شد و خاطرات خوش آن به فراموشی سپرده شد. اکنون از این خانه های آجر قرمز سا بالکن های بزرگ تنها زمینی مانده است که مردم در این زمین های خالی خود روهای خود را پارک می کنند: «... برخی از خانه هایی که با رجا بودند تبدیل به خوابگاه و یک واحد اداری دانشگاهی شد و خانه هایی هم که تنها یکی، دو واحد آن توسط دانشگاه خریداری شده بود، با همچنان در این ساختمان ها افرادی زندگی می کنند و یا اینکه ملک به طور کامل تخلیه شده اما گذر سال ها این ساختمان ها را به مخروبه ای تبدیل کرده است...»

فی «وصول» به نوسازی نمی رسد

افسانه قانع | درست ۲۰ سال پیش بود که دولت هفتم و هشتم تصمیم گرفت تا دانشگاه تهران را به عنوان نماد علمی کشور گسترش دهد. اما به رغم آنکه این طرح در سال هایی که کفایت و کوی تمدن ها به عنوان یکی از طرح های شاخص علمی مطرح و مد نظر دولتمردان بود، اما اولین اقدامات برای اجرایی شدن این طرح یک دهه بعد در دولت نهم انجام شد. در سال ۸۴ تا ۸۶ دانشگاه تهران توانست با بودجه ای که دولت در اختیارش قرار داد: تعداد زیادی از املاک اطراف را از بلوار کشاورز و خیابان کارگر گرفته تا خیابان وصال شیرازی و انقلاب خریداری کرد. هر چند تصور روسای دانشگاه تهران این بود که با تازریق بودجه از سوی دولت برای اجرایی طرح در مدت زمان بسیار کوتاهی می توانند تمامی املاک را خریدار کنند. اما این تصور تیار برای شیرینی بود که مسئولان دانشگاه تهران در سر داشتند در واقع دولت هایی که به سر کار آمدند نتوانستند بودجه خرید املاک معارض طرح را در اختیار دانشگاه قرار دهد و نتیجه این شد که خانه های مترو که خریداری شده اطراف دانشگاه به مرور بلای جان همسایگان بزرگترین مرکز علمی کشور شد. شهروندان ساکن در این محدوده اعتقاد دارند دانشگاه با اجرای نیمه تمام این طرح نه تنها منطقه کل شش بلکه ساکنان محدوده دانشگاه را در یک بزرگ عذاب آوری قرار داده است. زمین های مخروبه واقع در خیابان ۱۶ آذر، بلوار کشاورز، خیابان وصال شیرازی، پورسینا، آذر، بنام، فرانش و انقلاب شب نامی رابرای همسایگان همجوار بزرگترین قطب علمی کشور به ارمغان آورده است. به زبان ساده تر زمین های مخروبه در محله وصال خدماتی که به شهر وندان می دهد فقط یک جای پارک است. این در حالی است که ساکنان محله اعتقاد دارند که اگر دانشگاه این زمین ها را به صورت موقت برای ارائه خدمات شهری به شهر داری منطقه اجاره دهد: امنیت به محدوده قدیمی ترین دانشگاه کشور باز خواهد گشت.

هفته نامه «پدیده شهری» وضعیت طرح توسعه دانشگاه تهران را بررسی می کند.



اجاره به شرط تملیک دانشگاه تهران

قدیمی های محله وصال می گویند که از قبل انقلاب قرار بود تا مالک اطراف دانشگاه تهران در طرح توسعه این نواحی املاک خریداری شود و آن نزدیک به ۴۰ سال است که این طرح به طور کامل اجرا نشده است. «از قبل از انقلاب قرار بود که طرح توسعه دانشگاه تهران اجرا شود. الان هم دانشگاه تهران داخل هر کوچه و توپوگرافی و تخریب کرده اند. بعد هم دور تر از آن را حصار کشیده اند و این زمین ها به حال خود رها کرده اند. بیشترین استفاده ای که از این زمین های خالی می شود برای پارک خودروها داخل آن است. در حال حاضر ما اجازه ساخت و ساز داریم و نه مرمت. مسئولان دانشگاه تهران می گویند که باید برای فروش املاک نام نویسی کنیم این کار را انجام داده ایم؛ چندین سال پیش آن هم می گویند بوجه نداریم...»

هر چند املاک تجاری شده توسط دانشگاه تهران زیاد نیست اما گویا همین مغازه ها نیز با مالکیت دانشگاه تهران دویار و اجاره داده شده است. «املاک تجاری را زیاد خریداری نکرده اند و آن تعدادی راهم که خریداری کرده اند دوباره توسط دانشگاه به مستجران جدید اجاره داده است. البته بخشی از املاک مسکونی این محدوده نیز اجاره داده شده است.»

پیشنهادهایی که به فراموشی سپرده شد

با گذشت یک دهه از زمان اجرای طرح تملک اطراف دانشگاه تهران یک دهه گذشته است و ساکنان محله های اطراف طرح های زیادی را برای استفاده موقت اما بهینه این زمین ها به مسئولان دانشگاه تهران دادند اما مسئولان به هیچکدام از این طرح ها توجهی نکردند. «این زمین های با برابری دانشگاه تهران یا به عبارتی دولت و اموال بیت المال است. الان هم دانشگاه تهران بودجه ای برای خرید مابقی املاک ندارد در نتیجه می توان این زمین ها را به صورت موقت به زمین های ورزشی، چمن مصنوعی زمین بازی برای کودکان و محل استراحتی برای ساکنان و دانشجویانی که در خوابگاه های این محدوده ساکن هستند تبدیل کرد. بر اساس صحبت هایی که با شهرداری منطقه انجام داده ایم آنها نیز پذیرفته اند این کار را انجام دهند اما مسئولان دانشگاه تهران پاسخ ندادند که می توانیم این زمین ها را به زمین های ورزشی تبدیل کنیم...»

نمود مرکز میوه تره بار در محله وصال

یکی دیگر از نیازهای محله های وصال شهرداری و انقلاب، بلوار کشاورز و ۱۶ آذر نبود میدان میوه تره بار است. «سال های سال است که این مشکل را مطرح می کنیم که ساکنان این محله برای خرید به میدان میوه تره بار قزل قلعه بروند که فاصله زیادی با این محله ها دارد. به دانشگاه تهران نیز اعلام کرده ایم که این زمین ها را از شهرداری تهران بخریم تا دانشگاه آنجا را بسازد و ما می توانیم که طرح توسعه اجرایی شدن این زمین ها به دانشگاه برگردانده شود. متأسفانه به این درخواست جواب نمی دهد و سنگ های بزرگی را در مقابلمان قرار می دهند. بهر آنکه شهردار منطقه در جلساتی که به همراه معاونان شان با روسای دانشگاه داشتند درخواست ما را مطرح کردند و این مسئله نیز در صحن علنی شورای هر تهران مطرح شده است اما نتیجه ای در بر نداشت و مسئولان دانشگاه تنها جواب دادند که اینجا یک مکان فرهنگی و تربیتی است و کارهای اقتصادی انجام نمی دهیم... در صورتی که دانشگاه تهران از بسیاری از املاک تجاری و یا خانه های مسکونی که خریداری کرده است درآمد کسب می کند. این املاک به مستجران جدید اجاره داده می شود که هر ماه هزینه کرایه ملک را به حساب دانشگاه تهران می بزنند. از سوی دیگر مسئولان دانشگاه با پیمانکاران قرار داد می ببندند و آنها را اوادار می کنند که بعد از گرفتن مجوزهای لازم از شهرداری منطقه این زمین ها را به هر شکلی که خود می دانند می توانند بخرند. به عنوان مثال مسئولان دانشگاه قراردادی به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان با یک پیمانکار خصوصی بسته بودند تا این شخص یکی از زمین های اطراف دانشگاه را تبدیل به میدان میوه تره بار کند. بخش خصوصی به دنبال سود است و زیاد به فکر مردم نیست... سوال من این است که اگر این زمین ها مربوط به یک مکان علمی و فرهنگی است فرق من به عنوان یک شخص حقیقی و شهرداری به عنوان یک شخصیت حقوقی چیست؟! اگر قرار نیست که در این زمین های فرهنگی اتفاقی بیفتد این قانون باید برای همه اجرا شود. اما اگر قرار است تا اجرای کامل طرح توسعه دانشگاه این زمین ها به نفع مردم استفاده شود باید این قانون باید برای همه اجرایی شود. چه بهتر که شهرداری منطقه این زمین ها را کرایه کند و خدمات مختلف به مردم بدهد. به عنوان مثال زمین بزرگی در خیابان وصال است که یک روزی می خواستند آن را به پارکینگ طبقاتی تبدیل کنند اما اکنون این اتفاق نیفتاده و بلا استفاده در خیابان افتاده است... زمین های این چنینی در اطراف دانشگاه تهران زیاد است...»

زیباسازی میدان انقلاب هم چنگی به دل نمی زند

بعد از اینکه طرح توسعه دانشگاه تهران بسر زبان افتاده شهرداری تهران تصمیم گرفت تا طرح مناسب سازی میدان انقلاب را به عنوان مدیانی که مهمترین رویدادهای فرهنگی، علمی و سیاسی کشور در آن روی داده است، انجام دهد. «از آنجمله این طرح ها می توانیم به مناسب سازی میدان انقلاب اشاره کنیم. بعد عنوان کردند که قرار است املاک این محدوده خریداری شود و به عنوان پردیس دانشگاه تهران در آن باشد. بعد عنوان کردند که خانه های ردیف جلویی باید به همین حالت بماند و خانه های داخل کوچه ها خریداری شود. اما این کار هم به طور کامل انجام ندادند. الان خانه های کوچه های پشت را خریداری و خراب کردند و برخی از املاک را نیز به عنوان خوابگاه دانشجویان مورد استفاده قرار می دهند. به خاطر این طرح قیمت املاک این محدوده با کاهش رو به رو بوده است. الان اجازه ساخت هم نمی دهند... محدوده وصال تا میدان انقلاب و بلوار کشاورز داخل طرح توسعه دانشگاه تهران قرار دارد...»

اجرای طرح زیباسازی میدان انقلاب، طرح دیگری بود که توسط شهرداری تهران در میدان انقلاب به عنوان یکی از میدان های قدیمی پایتخت عملیاتی شد. «بعد از اینکه دانشگاه تهران نتوانست این طرح را به سرعت اجرا کند شهرداری تهران در صدد برآمد تا روی زیباسازی این محدوده یعنی از خیابان انقلاب تا وصال کارهایی انجام دهد. اما طرح زیباسازی در این محدوده نیز با استانداردهای لازم انجام نشد... برخی از ساختمان های قدیمی در این محدوده سیمان پولکی داشت و با یک شست و شوی درست و حسابی دویار ساختمان زیبایی خود را به دست می آورد اما آلودگی و زیباسازی منطقه ۶ تنها زیباسازی را در رنگ رنگ کردن ساختمان ها می دانند. با اینکه به مدیر زیباسازی منطقه شرایط ساختمان را اعلام کردیم و او نیز در همان جلسه قبول کرد که به جای رنگ اقدام به شست و شوی ساختمان کند اما دویار رنگ زد. برخی از ساختمان هایی که در بر خیابان وجود داشت، تنها جلوی ساختمان ها را تمیز کرده و پشت ساختمان ها را به همان حال خود رها کرد... مترو میدان انقلاب که از داخل یک معبر کوچک قرار دارد آن هم در انتهای کوچه در خروجی سیمنا هم می بایست و به دلیل نبود سرویس بهداشتی خیلی از شهرتانی ها کار خود را در کنار دویار انجام می دهند و تابستان ها بویساز بدی در این محله به مشام می رسد. زیباسازی از نظر شهرداری یعنی بونه کنند و رنگ بزنند... دویارهای این کوچه را دادند به دانشجویان هنر نقاشی کرده اند اما تابلوهای این ساختمان را درست نکرده اند تا نشانی آب باعث خراب شدن دویار و نقاشی ها نشود... همان زمان که داشتند کار به سازی میدان را انجام می دادند داخل این کوچه جایگاه موتور است قرار کردند. آن جوش داده بودند تا موتورها روی بل های که ایجاد کرده بودند در ورودی این کوچه پارک کنند... به آنها گفتیم که این کوچه به این کوچکی و با یکی است و نمی توان در مقابل مغازه مردم جایگاه موتور درست کرد... به آنها گفتیم که زیر این بل هایی که ساخته اند بومش زیادی می شود و اتفاقاً این مسئله هم به وجود آمد که تعداد موش ها زیاد شد و از زیر این بل به داخل مغازه ها و ساختمان ها می رفت. یک ماه بعد دویارها را آن ها رها برداشتند...»

برق نگین علمی کشور برای ساکنان وصال در خشنودی ندارد

روای شیرین توسعه دانشگاه تهران در دو دهه اخیر به کلبه شبانه روزی همسایگان این مرکز علمی تبدیل شده است. قدیمی های محل روزها و شب هایی را به خاطر دارند که دانشگاه تهران مانند نگینی بر رنگ انگشتری تهران می درخشید و محله های اطراف این پردیس علمی زنده بود. اما اکنون در محله های اطراف با پلاک هایی روبه روی می شوید که صد صد تخریب شده اند و یاد صورت قابل استفاده بودن به خوابگاه و یا دفتر اداری تبدیل شده است. اما صد ها خانه هایی که تخریب شده اند بیشتر است مانند محله ۱۶ آذر، قدس و باپور سینا... شب هایی این محله تا این شده است از خیابان وصال در شرق تا خیابان کارگر در غرب و بلوار کشاورز در شمال فضای به اندازه یک مستطیل بزرگ در طرح توسعه دانشگاه تهران قرار دارد که تخریب هایی که در سال های اخیر انجام شده محله های اطراف را تا ۹۹ درصد صدمان کرده است...»

خروج از برزخ به شرط تأمین اعتبارات

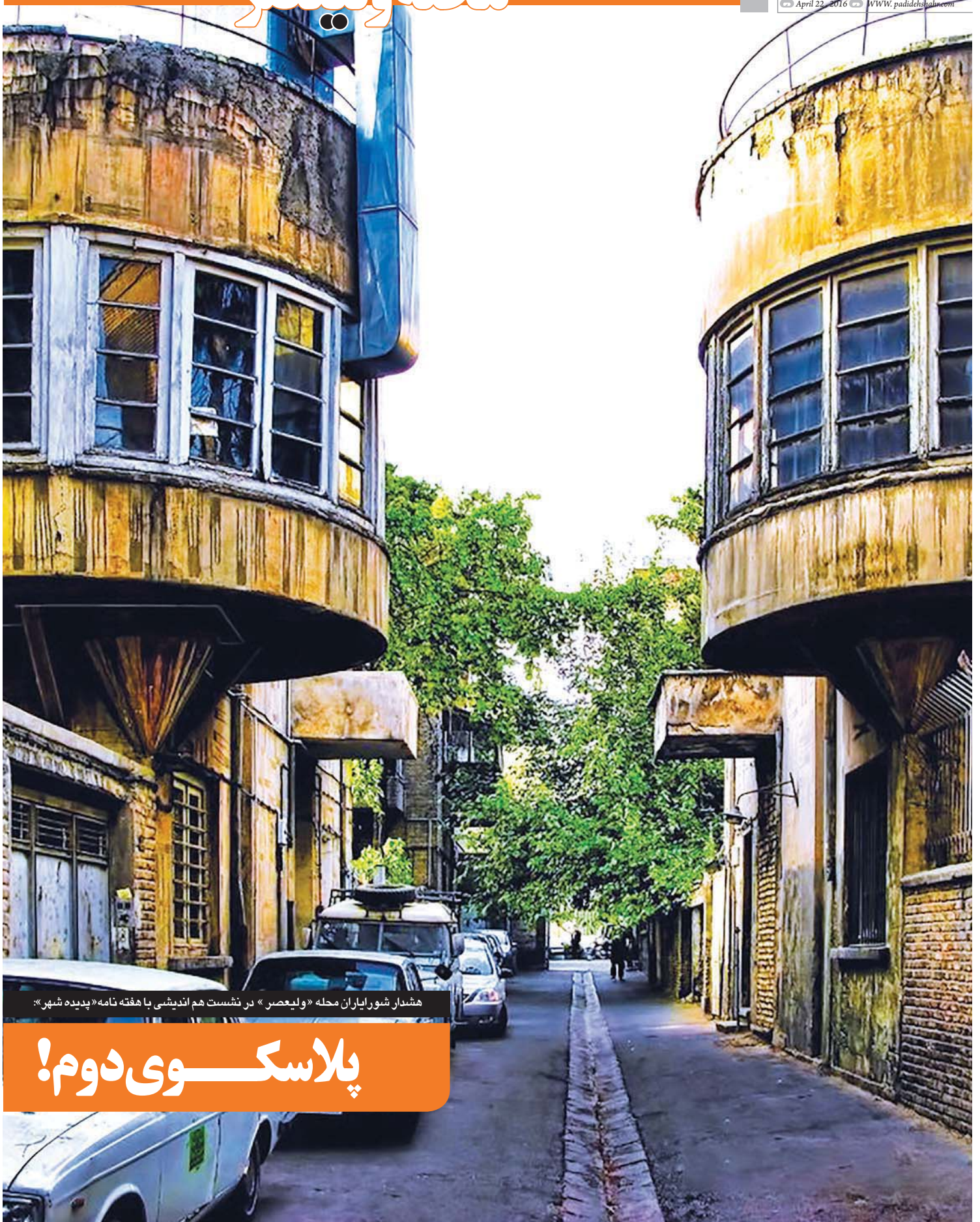
قرار بوده در چند نوبت اعتبارات تملک در اختیار این طرح قرار گیرد اما مالک موجود در این طرح خریداری نشود ولی این گونه نشد و متأسفانه در حال حاضر طرح موقوف است و باعث نارضاحتی و مشکلات فراوانی برای مردم منطقه شده است هر روز شاهد افراد مسن و گرفتاری هستند که چون نمی توانند ملک خود را فرخته و یا بازسازی کنند از این وضعیت ناراضی بوده و خواستار خرید ملکشان توسط دانشگاه هستند... در حال حاضر درخواست ما این است که آن تعداد مردمی که با مشکل مواجه هستند را از گرفتاری خارج کنیم چون بخش زیادی از افرادی که در منطقه طرح قرار دارند، اصرار و عجلای برای فروش ملک خود ندارند، تنها تعدادی از این افراد که تعدادشان هم زیاد نیست، گرفتارند که باید هر چه زودتر املاک این افراد خریداری شده تا مشکلاتشان حل شود...»

فریز شدن زندگی در محله وصال

در حال حاضر یکی از مشکلات همسایگان دانشگاه تهران این است که مجوز ساخت و ساز و نوسازی املاک فرسوده خود را ندارند... ساکنان محله های اطراف دانشگاه نه اجازه خرید و فروش دارند و نه اجازه ساخت و ساز. چرا که خرید و فروش خانه ها در این محله تحت ضوابط خاصی باید انجام شود و در واقع مالکان تنها می توانند خانه های خود را به دانشگاه تهران بفروشند. از سوی دیگر شهرداری نیز اجازه ساخت و ساز به مالکان نمی دهد... دانشگاه تهران به شهرداری اطلاع کرده در صورتی که ساخت و ساز کردند باید مالکان تعهد بدهند که هر زمانی که در صدد تملک خانه ها بر آمدند، املاک خود را تحویل دانشگاه دهند... مهمتر اینکه دانشگاه تهران اعلام کرده که در صورت هر گونه نوسازی تنها پول زمین را پرداخت می کند و تعهدی نسبت به نوسازی املاک داخل طرح ندارد و پولی نیز بابت ساختمان های نوسازی شده نمی پردازد...»

همسایگان دانشگاه تهران اعتقاد دارند املاک و زمین هایی که در سال های گذشته خریداری شده؛ باعث فریز شدن محله های اطراف شده است... این اقدام دانشگاه تهران نه تنها منطقه شش بلکه زندگی ساکنان محله های اطراف را نیز فریز کرده و آنها را داخل برزخ نامعلوم قرار داده است... زمین های بلا استفاده و بایر برای اهالی محله مشکلات زیادی از قبیل تجمع حیوانات موذی تا معلق برای دیوی پسماندها به وجود آورده و محیط زیست ساکنان محله های اطراف را تحت الشعاع قرار داده است...»

محله ولیعصر (عج)

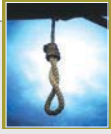


هشدار شورایاران محله «ولیعصر» در نشست هم اندیشی با هفته نامه «پدیده شهر»:

پلاسک وی دوم!

ایران وطن

اعدام در ملا عام در واقع اقدام تریبی برای تمام جامعه است و زمان اجرای حکم اقسام مختلف شاهد این اتفاق هستند



اعدام در ملا عام باز دارنده نیست

رئیس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران تاکید کرد اعدام در ملا عام اثرات منفی برای اقسام مختلف به ویژه کودکان در پی دارد و خشونت را در جامعه گسترش می دهد.

کورش محمدی در گفت و گو با خبرنگار ایسنا منطقه مرکزی با تاکید بر این نکته که مجازاتی مانند اعدام در ملا عام هدف مردم نظر در خصوص اصلاح جامعه را نمی تواند تحقق کند، گفت: با بررسی سبقت تاریخی اعدام در ملا عام این موضوع را بهتر می توان مورد ارزیابی قرار داد و کارآمد نبودن این اقدام در حوزه کمک به اصلاح جامعه بیشتر مشخص می شود. وی ادامه داد: برخی از اعدام ها در ملا عام صورت می گیرد با این هدف که جرائم مرتب کاهش پیدا کند، اما با بررسی سبقت تاریخی انجام شده در سال های گذشته مشخص می شود جرائم مرتب با اعدام مانند قتل، تجاوز، ربه عفت، برخی از جرائم مواد مخدر که حکم در ملا عام در خصوص آنها اجرا شده است، به تنها یا اینکه کاهش نیافته اند که با افزایش این جرائم هم مواجه بودیم و این موضوع نشان می دهد اعدام در ملا عام نمی تواند یک عمل بازدارنده باشد.

رئیس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران عنوان کرد: این اقدام نمی تواند به عنوان عاملی بازدارنده برای افرادی باشد که پرونده در جرم داشته اند و نمی توانیم انتظار داشته باشیم با اعدام در ملا عام دیدگاه

افراد تغییر یابد و افراد خود را متوقف کند.

محمدی تاکید کرد: باید انگیزه افراد ریشه ای شود. اعدام در ملا عام بویژه در مناطق آسیب خیزی نمی تواند نکته تریبی محسوب شود. و با بیابان اینکه با یکبار ممکن است برای خانواده مقتول اثر مثبت داشته باشد و احساس آرامش کنند، اما این احساس مثبت و اصلاح رفتار در جامعه نمی تواند اثر مثبت و ماندگاری داشته باشد. اظهار کرد: در خصوص مباحث مجازات و تربیت و ارتباط این دو باید پژوهی های افراد و مخاطبین هم در نظر گرفته شود.

رئیس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران ادامه داد: اعدام در ملا عام در واقع اقدام تریبی برای تمام جامعه است و زمان اجرای حکم اقسام مختلف شاهد این اتفاق هستند. این در صورتی است که همه جامعه نیاز به اصلاح ندارند. محمدی بیان کرد: این موضوع سبب شکل گیری خشونت در اقدام می شود و احتمال ارتکاب جرم حتی در افرادی که گرایش به سمت این مسایل ندارند را تقویت می کند. وی با تاکید بر این موضوع که غلبه غیر علنی بودن این اقدام به مراتب می تواند اثرات تریبی بیشتری داشته باشد عنوان کرد: دفاشارت مغفولت با سبقت بیشتر صحنه اعدام در ملا عام را مشاهده می کنند. رئیس انجمن آسیب شناسی اجتماعی ایران یاد کرد این نکته که مشاهده اعدام خشونت پاترس را در کودکان به وجود می آورد. عنوان کرد این موضوع می تواند کودکان را در آینده دچار اعدام خشونت های سنگین تری کند. باید توجه داشت کودکان شاهد کشتن یک انسان است.

در ادامه محله کردی های هفتگی مان به محله «ولیعصر» در منطقه شش رقمی. این محله در شمار محلات محروم و فقیر قرار دارد. درد دل های شورایاران اهالی محله طولانی و مفصل است. آنچه در زیر می آید حاصل حضور ما در این محله می باشد که تقدیم می شود:



آن ۱۷۰ نفر است! چه کسی می خواهد آن موقع جوابگو جوانان باشد، مدام هم جوانان در آنجا رفت و آمد دارند. حالا ما بحث پارکینگ آن را کاری نداریم، ولی واقعا باید برای جان مردم ارزش قائل شویم. ۷۰ ملک سازه ساز در محله وجود دارد! خدایم در خصوص میزان بافت فرسوده محله نیز گفت: حدود ۷۰ ملک در محله خطر ساز هستند. حالا فرسوده جای خودش، خطر ساز هستند که در سطح محله وجود دارد. برخی از ملک ها با برلی دستگاه های و سازمان های که آن ها را رها کرده اند نمی خواهند آن را به سراغ ما گذارند، بدهند، یا آن ها جای خراب یک میلیارد بیایند، امسال بیایند برای معادن شده است یا معادن در آن می خواهید، من خودم با رئیس کلاتری در شهرداری رفتم، در خیابان به آفرین دقیقا نبش کریم خان، یک ساختمان مترو که بود. آنجا ما ۱۲ نفر با بیرون آوردیم! جالب است یکی از افرادی که در آنجا بود، سارق سابقه دار می بود که نیروی انتظامی دنبال آن بود. در آنجا وارد دستگیر کردند.

متأسفانه از آن نمی شود استفاده کرد و اصلا راه نمی دهند. به نظر من شهرداری به تنهایی نمی تواند این مشکلات را حمایت کند، باید یکپارگی و یک تصمیم گیری مدیریت شهری ایجاد شود. اداره هوا، سازمان ها شهرداری می آیند سالانه مالیاتی به همه مدارس کمک می کنند، وزارت آموزش و پرورش خودش متولی است، برای چه چیزی شهرداری باید کمک کند، در توفان محله ای برای مثال یک میلیارد تومان برای هر منطقه بگذارد، محله ما فضای سبز بخرد، سال دیگر برود در جایی که واقعا ندارد استفاده باشد! اصلا نشود، یک مسجدهای را ارمانداری کنند.

جان مردم ارزشش

بیشتر از رضایت یک هنرمند است دبیر شورایاری محله ولیعصر (عج) در ادامه در مورد ساختن واقع در خیابان سمیه بین ویلا و حافظ روبهروی حوزه هنری نیز گفت: این ساختمان جنب وزارت صنعت و معدن و تجارت است که کار کنند، گفتم باید بدیم. ما داریم مترو کار کنند، الان آن را رها کرده و کار آن را تمام کرده است. قرار است آتش سوزی شود، آیا باید ۱۷۰ خاور عازاد شوند، عملا از آنجا کسی نمی تواند خارج شود. اگر یک اتفاقی بیفتد، ما هیچ کاری نمی توانیم انجام دهیم

رسیدگی به معضلات «خانه تئاتر» یک مطالبه عمومی است!

جمعیت جوان آن خیلی بالاست و اولی هیچ فکری برای بحث اوقات فراغت جوانان، نمی گویم هیچ کاری، ولی کسم توجهی می کنند من تشکری می کنم از شهردار محترم منطقه جنوب آقای بابایی که بحث سرای محله را یک جور میما کردند که توجه به کمبود فضای ورزشی حداقل یک طبقه از آن برای موارد ورزشی گذاشته ایم. ولی فقط برای بانوان است، آقایان باید چه کاری انجام دهند؟ ما یک زمین کوچک ۵۰۰ ۴۵۰ متری در مقایسه محله ای

که برای گروه های NA با تونق شده است، بنده جرأت نمی کنم همسرم را در هنگام شب به آنجا بفرستم. این مورد واقعا معضل بزرگی می است! ما آدم یک مدتی آن ها را محترم می شمردیم و به آن ها مکان بدهیم، دیدیم فایده ای ندارد، آنقدر وضعیتشان خوب نیست و ناپنجاری دارند، یکسری از مسائل را رعایت نمی کنند، از غیر آن گذشته و گفتم نه آقا واقعا کار ما نیست! محله ما نسبت به خیلی از محله های دیگر تهران از نظر درآمدی در سطح خیلی پایی قرار دارد، در بازارها، سازمان ها و ارگان ها است. محله ما یک محله اداری، تجاری مسکونی است. یعنی هم اداری دارد، اغلب مکان های آن تجاری و اداری است تا مسکونی بعد ۱۴۰۰۰ جمعیت شبانه که قرار دارد، در بازارها، سازمان ها و ارگان ها است. محله ما یک محله اداری، تجاری جمعیت شنوار محله است، زیرا چند وزارتخانه معروف کشور مانند وزارت آموزش و پرورش، وزارت نفت، وزارت جهاد کشاورزی و وزارت دادگستری همه آن ها در این محله هستند، بعد ساختن محله های بزرگ مانند بانک تجارت، هلال احمر کشور، هلال احمر استان تهران و سازمان تبلیغات، ادارها و دانشگاه امیر کبیر و هنر و این ساختمان ها باعث می شود و همین پاساژ ایرانیان در میدان ولی عصر خب این ها مکان های است که مردم در آن ها رفت و آمد دارند، زیاد هم می آیند و می روند، جمعیت آن ها هم جمعیت وارد محله ما می شود، ما از درآمدی که از برترین محله ها هستیم، ولی از لحاظ امکانات صفر هستیم.

سید کاظم خادمی دبیر شورایاری محله ولی عصر (عج) منطقه شش تهران در نشست هم اندیشی محلات تهران با اشاره به اینکه هشت سال عضو هیئت رئیسه منطقه شش بوده است و حدود ۱۱ سال است که دبیر محله ولی عصر است در ابتدای بحث اظهار داشت: علی رغم اینکه از حوزه مدیریت شهری تشکر می کنم، اما مشکلات بسیار زیادی دارد، با ما خیلی خوب کار کردند و کمک کردند. خارج از بحث و گریه های سیاسی کمک کردند به ما، ولی افزود: از جمله مشکلات ما وجود دانشگاه ها و بیمارستان های زیاد در این محله است، خود این موارد چالش برای رانگیز است؛ زیرا از فرهنگ های مختلف می آیند، وارد محله ما می شوند، یکی از شمال می آید و یکی از جنوب می آید، یکی از شرق می آید و فرهنگ های متفاوت می آید و در اینجا جمع می شوند، مانند دانشگاه امیر کبیر، دانشگاه هنر، دبیرستان البرز، خدمت شما عرض کنم بیمارستان های فیروز گر و بیمارستان تأمین اجتماعی... خیلی مراجعه کننده در این محله داریم، در سراسر کشور معمولاً می آیند، لذا این موارد خودش در بحث فرهنگی چالش است، محله ما از لحاظ درآمدی شاید جز محله های برتر تهران باشد، برای شهرداری، ولی از لحاظ امکانات رفاهی در حد صفر است!

فضای سبز محله

به ازای هر نفر یک سانتی متر است

خادمی در این خصوص افزود: نگاه کنید فضای سبز در محله ما برای هر نفر پایین تر از سطح استاندارد است؛ یعنی هر نفر یک سانتی متر است! اگر ما بتوانیم میانگین کشور را مشخص کنیم، می گویند آقا پایین تر از آن است! این محله ما برای هر نفر یک سانتی متر است! ۲ تا ۱/۵ متر است!

ولی در محله ما پایین تر از یک سانتی متر است، این مورد خیلی فاجعه است، یک محله ای در تهران با ۱۲ هزار نفر جمعیت مسکونی فضای سبز خوبی نداشته باشد!

یک پارک و روشی داریم که ۵۰۰ متر است که از ۵۰۰ متر به طور دقیق دو ساختمان در آن درخت است؛ یعنی یک قسمت از آن راه هم برای بازی بچه ها کرده اند، فضای سبز آنجایی ندارد، شاید در حد کمتر از ۵۰۰ متر فضای سبز است؛ مردم به صورت علانی نمی توانند از آن استفاده کنند، چون سالن همایش فرودوسی داخل آن هست، مردم ها و نامه ها که انجام می شود، مردم نمی توانند زن و بچه های خود بفرستند به آنجا بروند، شب ها هم یک پاتوقی هم برای گروه های NA شده است، اصلا آنجا از زمانی

محله یک مسجدهم ندارد!

این فعال اجتماعی در ادامه افزود: زشت است در نظام جمهوری اسلامی ایران که نظام اسلامی است ۱۴۰۰۰ جمعیت ساکن یک محله باشد، ولی یک مسجد وجود نداشته باشد! ما پیگیری کردیم، گفتند آقای قلیباف ۲۰ تا مسجد در یک محله می زند. خب شما رفیق در محله ای زدید که مسجد هم بوده است! چرا شما نمی آید! اگر واقعا دارید برنامه می کنید چرا نمی آید در محله ای که مسجد هم بوده است! شما از خیابان ولی عصر بگریید تا سپهبد قرنی هیچ مسجدی وجود ندارد! خیابان حافظ است، خیابان نجات الهی است، هیچ کدام مسجد داخل آن نیست، همه خیابان های اصلی هستند، پاتوقی هم جای خودش، در حوزه ورزشی خب جمعیت محله ما علی رغم اینکه محله قدیمی است، جمعیت جوانی است،

مسئله ها و اداری که در محلات

معضل درست کردند یا کمک کنند، وی با اشاره به مسئله محله گفت: وجود مشکلات به واسطه سازمان ها و ادارات مختلف ایجاد شده است و تنها شهرداری است که خدمات ارائه میدهد که فایده ای ندارد، برای مثال در مورد مسجد چون کمک های با امور مساجد باشد، خیلی از سازمان ها و ادارها دارند از امکانات این محله استفاده می کنند. ولی سازمان ها و ادارها باید با هم سازند، ما به آن ها گفتیم که این کار را انجام ندهند، ولی این کار انجام دادند! به نظر من مدیریت شهری باید آنرا بخرد، یک مجموعه ای تسبک تر از این با حداقل آن را مسکونی کنند که خیلی جمعیت در آنجا عبور و مرور کنند! چون فقط یک سالن

پیشی گرفت شهرها از دولت ها در مقابله با تغییرات آب و هوایی

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی انجمن علمی اقتصاد شهری ایران، بیش از ۲۵۰۰ شهر، تا سال ۲۰۱۴، طرح های مهمی برای مقابله با انتشار دی اکسید کربن به سازمان ملل متحد پیشنهاد داده اند که سبب انعقاد تفاهم نامه ای میان ۲۰۰ کشور برای مقابله با گرمایش جهانی در سال ۲۰۱۵ در شهر پاریس شد. اگرچه هنوز اطلاعات رسمی و آماری در دسترس در این خصوص وجود ندارد، هدف بسیاری از شهرها بسیار بلند پروازانه تر از اهدافی است که دولت ها در پاریس و همچنین جمع تمهیدی به شهرها مانند پاریس و لندن رسیده اند. این راست اسکولس، مسئول گروه تحقیقاتی آب و هوا و تکیو ولوس آنجلس را در این مورد می گوید: در آینده مباحث بیشتر اهداف گسترده تر در خصوص تغییرات محلی اقلیمی خواهد بود. همچنین کمک به کاهش تاثیرات خشکسالی، آبرش زمین، موج گرما و املا آن بیشتر در رها و جود خواهد داشت. این روند در شهرهای غنی که قادر به کاهش انتشار کربن به خواست طبقه متوسط و متوسط پارس به طور واضح تر در جریان است.

پیشی گرفت شهرها از دولت ها در مقابله با تغییرات آب و هوایی

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی انجمن علمی اقتصاد شهری ایران، بیش از ۲۵۰۰ شهر، تا سال ۲۰۱۴، طرح های مهمی برای مقابله با انتشار دی اکسید کربن به سازمان ملل متحد پیشنهاد داده اند که سبب انعقاد تفاهم نامه ای میان ۲۰۰ کشور برای مقابله با گرمایش جهانی در سال ۲۰۱۵ در شهر پاریس شد. اگرچه هنوز اطلاعات رسمی و آماری در دسترس در این خصوص وجود ندارد، هدف بسیاری از شهرها بسیار بلند پروازانه تر از اهدافی است که دولت ها در پاریس و همچنین جمع تمهیدی به شهرها مانند پاریس و لندن رسیده اند. این راست اسکولس، مسئول گروه تحقیقاتی آب و هوا و تکیو ولوس آنجلس را در این مورد می گوید: در آینده مباحث بیشتر اهداف گسترده تر در خصوص تغییرات محلی اقلیمی خواهد بود. همچنین کمک به کاهش تاثیرات خشکسالی، آبرش زمین، موج گرما و املا آن بیشتر در رها و جود خواهد داشت. این روند در شهرهای غنی که قادر به کاهش انتشار کربن به خواست طبقه متوسط و متوسط پارس به طور واضح تر در جریان است.

چهر



مسایل آب و محیط زیست به عنوان یک بعد مهم از امنیت ملی هر کشور، یکی از بحران‌ها و چالش‌های جدی پیش روی کشور است

جای خالی بحران‌های محیط زیستی در مطالبات انتخاباتی

نامزدهای انتخاباتی باید به طور شفاف و نه بصورت کلی گویی مشخص کنند که برنامه‌ها و سیاست‌هایشان برای مسایل بحران‌های مختلف آبی و زیست محیطی در نقاط مختلف کشور چیست؟ بررسی فضای کشور در زمان انتخابات نشان می‌دهد که فضای غالب سیاسی کشور در این برهه، فضایی شدت احساسی و هیجانی است. در این فضا معمولاً نامزدهای انتخاباتی در دو جناح، به جای آنکه تمرکز اصلی خود را بر روی تبیین و ارائه مشخص و شفاف سیاست‌ها و برنامه‌های کلان خود در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، آموزش و پرورش، محیط زیست و غیره بگذارند، بیشتر تمرکز آنها بخصوص از سوی طرفداران و رسانه‌های طرفدار آنها صرف تخریب رقیب مقابل می‌شود.

در این فضای احساسی، نامزدهای انتخاباتی به جای آنکه بر این موضوع تمرکز کنند که «چرا باید مردم به او و برنامه‌های مشخص و شفاف (و کلی گویی محض) او رأی دهند»، آگاهانه و یا ناآگاهانه فشار را به این سمت هدایت می‌کنند که فعلاً کاری به برنامه‌های کلان و مشخص نامزدمورد حمایت خود نداشته باشند و تنها به این مساله تمرکز کنند که «اگر به من رأی ندهید، فلان رقیب مقابل رأی خواهد آورد»

در این فضا - که از قضا مطلوب نامزدهای انتخاباتی نیز هست - کسی سوال یا تأمل جدی در خصوص برنامه‌ها و سیاست‌های کلان، ولی شفاف نامزدها و به ویژه نامزدمورد حمایت خود نمی‌کند و بیشترین تمرکز و انرژی بر سر ترکیب رقیب مقابل صرف می‌شود. به بیان ساده، در این فضا افراد به برنامه‌های نامزدمورد حمایت خود رأی نمی‌دهند، بلکه تنها رأی می‌دهند که رقیب مقابل رأی نیاورد!

مسایل آب و محیط زیست به عنوان یک بعد مهم از امنیت ملی هر کشور، یکی از چالش‌ها و چالش‌های جدی پیش روی کشور است. با توجه به ارزشمندی جدی آب در کشور و بحران‌های زیست محیطی متعدد در نقاط مختلف از جمله بحران گرد و غبار در غرب و شرق کشور، مشکلات زاینده رود، کاربن هیرمنند، گلخونی و دهه‌ها تالاب و حوضه‌های پر از منابع آبی زیرزمینی، سوال جدی‌ای که باید از نامزدهای انتخاباتی بپوشد نامزدهای مورد حمایت خود پرسید این است که رویکردها، سیاست‌ها و برنامه‌های کلان آنها در قبال این مشکلات و بحران‌های جدی چیست؟

برنامه‌های زیست محیطی مانند بحران‌های مالی و اقتصادی نیستند که بتوان ادعا کرد که تنها گویایگری یک بعد یا یک جنبه خاص خواهد شد. در صورت تشدید بحران‌های گرد و غبار در شرق و غرب و شمال شرق کشور و با نشت زمین در کلان‌شهرهای مختلف، خشک شدن تالاب‌ها و تهدید جدی دیگر، این مسایل دامان تمام اقشار جامعه از هر طبقه و جناح و گروه و رویداد سیاسی از اصولگرا تا اصلاح طلب را خواهد گرفت. لذا نامزدهای انتخاباتی باید به طور شفاف و نه بصورت کلی گویی های عوامانه، مشخص کنند که برنامه‌ها و سیاست‌هایشان برای مسایل بحران‌های مختلف آبی و زیست محیطی در نقاط مختلف کشور از جمله تالاب‌های هامون و گلخونی و مساله گرد و غبار که یک منشا اصلی آنها کشورها همسایه (شرقی و غربی) است - چیست؟

این مسایل و سده‌ها مورد دیگر (از جمله رویدادها و برنامه‌های نامزدها در خصوص مساله آموزش و پرورش، بانک‌ها و...) مهمترین مسایل مغفول مانده‌ای است که هیچگاه مورد پرسش جدی جامعه فریخته کشور و نامزدهای انتخاباتی قرار نمی‌گیرد و عموماً هر یک از نامزدها در زمان انتخابات تنها به کلی گویی‌های عوامانه در مورد آنها بسند می‌کنند. از این و نظارتی که از جامعه فریخته‌گان کشور می‌رود این است که در این فضا، مطالبات انسان از نامزدها و به ویژه نامزدهای مورد حمایت خود، شفاف‌سازی برنامه‌ها و سیاست‌های کلان آنها در بهترین حوزه‌ها و چالش‌های پیش‌روی جامعه باشد.

بدون شک، در یک جامعه پیشرفته و با خواهان پیشرفت، فرصت انتخابات همچون بهای در جهت رشد و پیشرفت یک کشور برای بررسی و اصلاح و شفاف‌سازی برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های کلان است. امید است که فرهیختگان جامعه این فضا به درستی در جهت بهبود و حرکت روبه‌رشد جامعه‌هم‌بهره‌مند شوند و نامزدهای نهایی انتخابات را با کمک تبیین و تشریح این سیاست‌ها و برنامه‌های خود و پاسخگویی در این زمینه کنند.

نامزدهای انتخاباتی باید به طور شفاف و نه بصورت کلی گویی مشخص کنند که برنامه‌ها و سیاست‌هایشان برای مسایل بحران‌های مختلف آبی و زیست محیطی در نقاط مختلف کشور چیست؟ بررسی فضای کشور در زمان انتخابات نشان می‌دهد که فضای غالب سیاسی کشور در این برهه، فضایی شدت احساسی و هیجانی است. در این فضا معمولاً نامزدهای انتخاباتی در دو جناح، به جای آنکه تمرکز اصلی خود را بر روی تبیین و ارائه مشخص و شفاف سیاست‌ها و برنامه‌های کلان خود در عرصه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، آموزش و پرورش، محیط زیست و غیره بگذارند، بیشتر تمرکز آنها بخصوص از سوی طرفداران و رسانه‌های طرفدار آنها صرف تخریب رقیب مقابل می‌شود.

افزایش امنیت زنان

یک زن خانه‌دار که در حال سبزی کردن ۵۲ سالگی خود است، از شورای شهر می‌خواهد سالن‌های ورزشی، کتابخانه با امکانات مناسب و هزینه مقبول در تمام نقاط شهر در اختیار ما زنان قرار گیرد. همچنین کتابخانه‌های شهرداری در تمام محلات با امکانات و منابع غنی دایر شود چون گاهی اوقات برای رسیدن به یک کتابخانه با سالن ورزشی با امکانات مناسب مسافت زیادی را باید طی کرد که سختی است. به گفته او زنان به امنیت در فضاهای عمومی نیاز دارند. در حقیقت یک زن باید هنگام تار یکی هوا نیز بتواند در شهر احساس امنیت کند. به اعتقاد این زن خانه‌دار بر سه راه‌های محله و فرهنگسراها باید توجه بیشتری شود و فضاهای این مکان‌ها افزایش یابد تا زنان خانه‌دار بتوانند به همراه فرزندان‌شان در این محل‌ها با آسایش خاطر حضور پیدا کنند زیرا زنان خانه‌دار و فرزندان‌شان بیشترین مراجعه‌کنندگان به این فضاها هستند.

زنان چه خواسته‌هایی

از شورای شهر دارند؟



توجه بیشتر به فضاهای ورزشی زنان کم در آمد

یک زن سرپرست خانوار ۳۸ ساله نیز مدغدغه امکانات ورزشی شهر دارد و می‌گوید: لازم است شورای شهر تهران به فضاهای تفریحی و ورزشی زنان بیشتر توجه کند تا زنان کم‌درآمد مثل سرپرستان خانوار بتوانند از این مکان‌ها استفاده کنند.



فضاهای شهری زنان، یک نیاز اساسی

این زن ۲۹ ساله می‌گوید: به عنوان خبرنگاری که چندین سال در حوزه شهر مشغول فعالیت هستم و تا حدودی با معضات شورای شهر آشنایی دارم، در دوره چهارم شورای شهر تهران موبوتی در خصوص زنان و جوانان نداشتم البته از دوره‌های قبل در مورد کودکان و سالمندان موبوتی مانند دوستدار کودک و شهر دوستدار سالمند داریم که به مناسب‌سازی معابر شهری برای افراد معلول و کم‌توان اشاره می‌کند. او از نمایندگان زن شورای شهر انتظار دارد که به مدغدغه و مطالبات همچنان خود توجه کنند زیرا گاهی اوقات برخی امور آنان نه تنها نقش حیاتی را از آنها می‌گیرد بلکه بسیار خنثی عمل می‌کنند و برخی از زنان نیز حتی نگاه مردانه به شورای شهر دارند که این موضوع تاراحت‌کننده است. این خبرنگار توجه به فضاهای شهری زنان را از جمله مسائل مهمی می‌داند که اعضای شورای شهر بخصوص زنان شورا باید به آن توجه کنند.

یک خبرنگار ۳۸ ساله نیز خواستار افزایش طرح مسایل زنان در جامعه شد و گفت: این موضوع مهم است. تهران در گیر آسیب‌های اجتماعی بسیاری است که برای بیشتر آنها راه‌حلی مناسب وجود ندارد و یا اگر به آن پرداخته شده مقطعی بوده است. در حقیقت برخی از مسایل و مشکلات زنان به دلیل تابو بودن مطرح نمی‌شود. او از اعضای شورا خواست که افراد متخصص و کارشناسانی در کنار خود داشته باشند که اطلاعاتشان را در بهار آسیب‌های اجتماعی افزایش دهند و از مسائل زنان در جامعه بیشتر سخن گفته شود.

به گزارش ایسنا، اگرچه فشرده‌های مختلف زنان به همین تعداد محدود نمی‌شود ولی همانگونه که ملاحظه شد، آنان مطالبات مشترکی دارند که لازم است شورای شهر بپوشد تا زنان این بارمان محلی به آن‌ها توجه کنند چون رضایت و شادابی زنان از فضایی که در آن زندگی می‌کنند ارتباط مستقیمی با رضایت جامعه دارد.

ساخت فضای تفریحی ویژه بانوان

شهناز نوحی که روانشناس و مدرس دانشگاه است، می‌گوید: اگر افرادی که به شورا‌های وارد می‌شوند تخصص کافی در حوزه شهری و اجتماعی و فرهنگی داشته باشند می‌توانیم از آنان مطالبه کنیم. در حقیقت فردی که قصد دارد با به این عرصه بگذرد باید جامعه‌اقتدار مختلف و وضعیت اجتماعی را بشناسد اما گاهی افرادی وارد پارلمان شهری می‌شوند که زنان در این جامعه زندگی نمی‌کنند و خواسته‌های مردم آگاه نیستند. او از اعضای شورای شهر انتظار دارد که ابتدا نیازهای زنان مجرد و متأهل را به درستی بشناسند زیرا نیازهای زنان شاغل متأهل و مجرد با یکدیگر متفاوت است. به گفته این روانشناس زنی که از فضای کاری خارج می‌شود نیازمند آسایش روحی اوقات فراغت و تفریح است. ممکن است زنان در محیط و ساعات کاری دسترسی به فضاهای برای رفع استرس و خشکی نداشته باشند بنابراین درخواست ما از شورای شهر این است که فضاهای ورزشی و تفریحی ویژه بانوان شاغل و بویژه زنان دانشگاهی با توجه به ساعات کاری آنان ساخته شود. اگر فضاهایی مخصوص به یک در نظر گرفته شود افراد خود را برای حضور در آنجا مقیدتر می‌دانند زیرا احساس دیده شدن می‌کنند.

شکاف و رسیدگی به نیازها و مطالبات زنان به عنوان نیمی از معیشت کشور از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است زیرا آنان بخش موثری از نیروی انسانی کشور در مسیر توسعه هستند علاوه بر آن نقش اصلی را در پرورش و تربیت نسل آینده دارند. در محققیت توجه به مطالبات و نیازهای زنان می‌تواند باعث رشد و تعالی جامعه شود و تداوم گرفتن خواسته‌های آنان ممکن است کجکتابت زیادی را برای کشور داشته باشد که نه تنها امروز جامعه بلکه فردای کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شورا‌های اسلامی شهر و روستا یکی از نهادهایی است که می‌تواند زمینه را برای تحقق مطالبات زنان فراهم کند البته برخی از نیازهای زنان مشترک است. توجه به محیط‌های زنانه در شهر، برافروزداری از شهری حامی زنان و کودکان، برقراری امنیت و آسایش برای مضور زنان و کودکان، ارتقای کیفیت سالن‌های ورزشی برای زنان و تمهید کردن کتابخانه‌های ملاقات، از جمله مطالبات مشترکی بوده است که زنان از قشرهای مختلف در گفته و گو یا ایستاد و آن‌ها اشاره کردند.



لزوم نظارت زنانه بر شهر

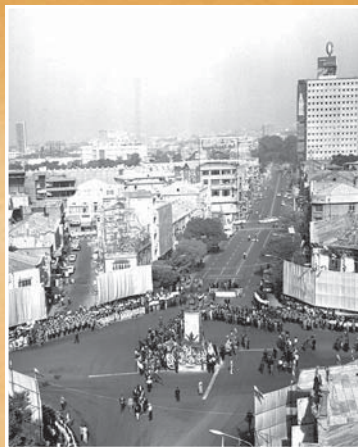
دکتر ناهید خداگر می‌رییس انجمن ماماای ایران - می‌گوید: به عنوان کسی که حدود ۳۰ سال در امر مراقبت از زنان و مادران باردار و نوزادان فعالیت داشته است، از شورای شهر انتظار دارم به شهر تهران از هر شهری دیگر تگاهی روبه آینده داشته باشند. یعنی به محیط زیست و زیبایی‌های صری در شهر توجه شود. زیرا گاهی اوقات ساخت و سازها در کلان شهرها چشم‌ها را آزار می‌دهد.

او معتقد است: آنچه به عنوان زبانه در شهر تولید می‌شود منبع کارآفرینی و ثروت برای آینده است. در حقیقت یکی از مسائلی که متما باید شورای شهر آینده به صورت جدی به آن ورود کند چگونگی تولید ثروت و کارآفرینی از پسماند‌های شهری است.

رییس انجمن ماماای ایران تأکید می‌کند: شورای شهر توجه داشته باشد که این شهر صرفاً برای مردان نیست و شهر باید برای زنان و کودکان نیز باشد یعنی در تمام نقاط شهر، مادران و فرزندان‌شان آسایش داشته باشند و فضاهای سبز و پارک‌ها نیز محلی برای حضور خانواده‌ها باشد بنابراین شورای شهر آینده باید به این فکر کند که چگونه شهر آینده به فضایی سالم تبدیل شود.

به گفته او مطالبات صنف ماماای از شورای شهر در حقیقت همان مطالبات زنان است. انتظار داریم که نمایندگان زن کلان‌نگر وارد شورای شهر شوند. زنان می‌توانند بازوی نظارتی قوی برای مدیریت شهری باشند یعنی زنی که به شورای شهر وارد می‌شود می‌تواند به عنوان یک ناظر قوی بر عملکرد شهرداری‌ها نظارت و چالش‌های مدیریت شهری را برای ابرای وضع قوانین شهری استخراج کند و بتوانیم مدیریت زنان و نظارت زنانه را به عنوان سبک اصل و نیاز برای شورا‌های شهر مورد توجه قرار دهیم.





گزینه خان قاجار

آقامحمدخان همان سبسی که خان زند آخرین نفسش را کشید شبانه از شیراز گریخت و به گسرگان رفت؛ جایی که ایل قاجار به در آن قرار داشت. او بعد از همراهی ایلش به سوی اصفهان فتح ایران حرکت و بعد از گرفتن شمال ایران در تهران مستقر شد؛ حضوری که سکه طهران را به عنوان پایتخت رونق بخشید. آقامحمدخان در فروردین ۱۲۸۵ تصمیم به تاجگذاری گرفت. آنجا که قشوقش در تهران مستقر بودند در کاخ گلستان که از یادگار دوران صفویه بود تاج بر سر گذاشت و همزمان با خواندن خطبه پادشاهی خطبه پایتختی تهران را نیز جاری کرد. بسیاری از پژوهشگران معتقدند استقرار او در تهران به خاطر نزدیکی کتبش به مرکز ایران قاجار به بود؛ دللیلی که برای تصمیم آقامحمدخان برای پایتختی تهران کافی به نظر نمی‌رسد.

بر خلاف همه انتقادهایی که به پایتختی تهران می‌شود، سابقه ۲۳۰ ساله پایتختی این شهر نشان داده است که بهترین گزینه در شرایط استراتژیک سیاسی و نظامی در دوران معاصر بود. آقامحمدخان از تجربه تاریخی سلسله‌های قبلی به این نتیجه رسید که تهران دقیق‌ترین جای برای پایتختی سرزمینی است که او فکر کرده بود کشورش را در میانه آن بسازد. این شهر در مرکز کشور و روزه شمال قرار داشت. از این نظر از تبریز و مشهد که در مرزهای غربی و شرقی قرار داشتند و همین امر آن دو شهر را آسیب‌پذیر کرده بود، برتری داشت. برتری که باعث شد آقامحمدخان به جای گرانگان این شهر را انتخاب کند؛ اما این شهر به اندازه اصفهان یا شیراز پایتختی صفوی و زندیه در مرکز ایران نبود تا دسترسی به مرزهای شمالی را محدود کند. چند حمله گسترده سه قرن پیش از قاجار به شمال غربی و شمال شرقی به داخل ایران شده بود. در این حمله‌ها حاکمیت مرکزی از دفاع جامانده بود و ایران تسلیم شده بود. مرز شمال غربی با توجه به رقابت شدید ایران شیعی با عثمانی سنی مذهب در خطر بیشتری بود و تبریز و قزوین پایتخت‌های قابل اطمینانی نبودند. در زمان تشکیل سلسله قاجار به خطر بالقوه دیگری از سمت شمال ایران به وجود آمد که آن هم روسیه بود که هر لحظه ممکن بود با تحریک ایالت‌های شمالی مثل آذربایجان و گرجستان از وضعیت آشفته داخل ایران سوءاستفاده کرده و خود را به روسیه متصل کند و همین باعث می‌شد تا آقامحمدخان به این نتیجه برسد پایتخت را در جایی قرار دهد که نزدیک به مرز شمالی باشد اما با حصار طبیعی یعنی کوه‌های البرز دسترسی به آن کم‌شود. در کنار این هانز دیگی تهران به‌ری هم در پایتختی این شهر تاثیر داشت. ری در طول تاریخ تهران و در زمان سلسله آل‌بویه به عنوان پایتخت قرار گرفت. آل‌بویه توانستند از ری تا بغداد پیش بروند و حاکمیت خود را گسترش دهند. در کنار این آب و هوای فصلی این شهر و خاک حاصلخیز آن که باغ‌های سرسبز این شهر را متمایز از سایر شهرها می‌کرد دلیل دیگری بود که تهران را برای پایتختی مناسب کند. اتفاقاتی که در سال‌های بعد از آقامحمدخان رخ داد نشان داد که او در انتخاب تهران به پایتختی اشتباه نکرده بود.

حاشیه نشین‌ری برین

زمانی که آقامحمدخان تهران را برای پایتختی انتخاب کرد در تاریخچه این شهر حدود ۲۰۰ سال سابقه شهری ثبت شده بود؛ فریبهای که تا چند سال پیش هم بیشتر مورخان به آن استناد می‌کردند. مورخان که قدیمی‌ترین استناد تاریخی به نام تهران را به ابوحماد تهرانی عالم دینی می‌رسانند که در قرن دوم هجری زندگی می‌کرد و نامش در کتاب‌های تذکره نویسندگان آمده بود و زاده روستای تهران بود؛ اما تاریخ واقعی تهران فراتر از این بود. تا سال ۱۳۹۳ به استناد کاوش‌های باستان‌شناسی دکتر ملک ششمیرزادی در تپه‌های قیصر به، این منطقه ۵ هزار سال سابقه سکونت داشت. البته این کاوش‌های باستان‌شناسی هیچ وقت منتشر نشد تا سال ۹۳ که در حین حفاری در منطقه مولوی به اسکلت زنی بر خوردند که بعد از مطالعات مشخص شد متعلق به ۷ هزار سال پیش بوده است. از سوی دیگر تهران در همسایگی شهری قرار داد. بر اساس منابع تاریخی و باستان‌شناسی ری یا آگابگی از چهار شهر مهم ایران در دوره باستان بود که گفته می‌شده هوشنگ آن را ساخته و نامش در اوستا و کتیبه بیستون به عنوان یکی از مهم‌ترین ایالت‌های ایران برده شده است. در دوران باستان ری دارای دویخش مهمی و بالادست یاری برین و ری و پایین دست وری زیرین بوده است. روستای کوچک تهران شش کیلومتری ری برین در بخش شمالی قرار داشت.

بالذری در «فوج البلدان»، ابن‌خراد به در «المسالك والممالک»، ابن‌حوقل در «صور الارض» از قدیمی‌ترین نویسندگان هستند که از طهران ری یاد می‌کنند. بلعنی در تاریخ خود از منطقه‌ای به اسم مهران یاد می‌کند که متعلق به خاندان مهران و در اختیار یکی از افراد این خاندان بود که سردار سپاه قباد ساسانی بود. منطقه‌ای که دکتر حسین کریمان در «تاریخ تهران» آن را در حدود سه‌راه ضرابخانه در خیابان شریعتی جاناتمی می‌کند. محلی که حالا تقاطع خیابان پاسداران و بزرگراه همت تا حدود حسینیه را شاد است.

اصطخری هم در «المسالك والممالک» از روستایی به اسم بهزان و قصران یاد می‌کند که علامه قزوینی آن را همین تهران امروزی می‌داند. یاقوت مستعصمی در «معجم البلدان» هم از همین شهر عبور کرده و آن را شش کیلومتری شمال ری می‌داند. دویخه مشرق شناخته شده معتقد است این بهزان همان طهران است که در طول تاریخ به خاطر شیوه ساخته شدن این شهر تبدیل به تهران شده است. اما مهم‌ترین ردیای ایران در منابع قرن چهارم و پنجم بی‌تردید در نوشته ابوالفضل بیهقی است که از سفر سلطان محمود به ری می‌نویسد: «چون به ری رسیدند امیر محمود به دولاپ فرود آمد بر تپه طبرستان نزدیک شهر و امیر مسعود به علی آباد لشکرگاه ساخت بر راه قزوین و میان هر دولاپ مسافت نیم فرسنگ بود.» شهری که در نقشه امروز تهران در فاصله میدان راه‌آهن تا دروازه دولاپ است. محلی که ماهه عنوان منطقه ۱۲ می‌شناسیم که همه مورخان جدید و قدیم معتقدند طهران عتیق در همان بخش ساخته شده است.

ابن بلخی در «فارسنامه» در قرن ششم هجری به طور صریح به تهران اشاره می‌کند و به نظر می‌رسد که از این شهر گذر کرده چرا که معتقد است آثارهای را در شیر خوره فارس مانند آثارهای تهران نیکوست: «همه میوه‌های باغ تینکوست، خاصه انار، گی مانند انار طهرانی است.» روستای تهران با آن که در حاشیه دشت حاصلخیز و چهار فصل تهران بود اما با روند کندی پیشرفت می‌کرد. آنچه رشد تهران را برای تبدیل شدن به شهر کند کرد، دللیلی بود که نامگذاری این شهر هم از آن ناشی بود. دشت تهران به خاطر موقعیتش در معرض حمله مداوم راهزنان بود. راهزنانی که به خانه مردم این روستا می‌ریختند و آن‌ها را غارت می‌کردند. همین باعث شده بود که مردم شهر ششان را در زیر زمین بسازند. شهر زیرزمینی یکی از مهم‌ترین معنی‌های واژه تهران با طهران است. این نکته‌ای است که اعتماد السلطنه در «هرات‌البلدان» خذیل نام تهران نوشته است: «چون آنها (تهران) در وقتی که دشمن برای آن‌ها به هم می‌رسید در زیر زمین پنهان می‌شدند، از این جهت به این اسم موسوم شده‌اند که به تهران یعنی زیر زمین می‌رفتند.»



طهران شاه تهماسبی

دویست سال قبل از اینکه شاه تهماسب به تهران ری برسد و حصار مشهور تهران را به دور آن بکشد، غازانخان در راه شمال چند هفته‌ای در تهران اتراق کرد. بر اساس نوشته خواجهر رشیدالدین فضل‌الله در «جامع التواریخ» خان مغول به جای رفتن به ری در جیح داد در تهران اقامت گیرد. در سال ۸۰۶ قمری همزمان با سلطنت تیمور، کلاخوساح مشهور سر راه رسیدن به هرات از تهران گذشت.

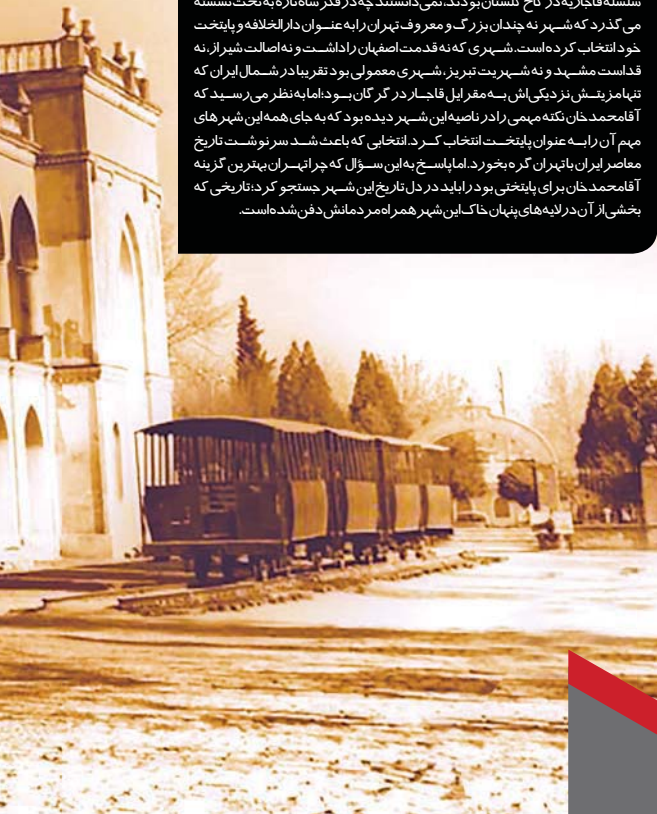
با به قدرت رسیدن صفویه اهمیت تهران بیشتر از قبل شد. جنگ سخت باعبیدالله خان از یک در خراسان باعث شد تا شاه تهماسب در مسیر پایتخت خود قزوین به خراسان، در تهران چند روزی بماند و نفس سپاهش را تازه کند و به زیارت مزار سید حمزه جد پدری خود در ری رفتن بود. در همین اقامت چند هفته‌ای شاه تهماسب به این نتیجه رسید که این شهر فرصت خوبی برای پیشرفت و گسترش دارد؛ در صحنه که راهزنان گرفته بودند. پس او به فکر راهی برای کمک به مردم این شهر افتاد. در کتاب «بستان السیاحه» آمده شاه تهماسب در سال ۹۶۱ قمری به معماران مشهور قزوین و تهران دستور داد تا علاوه بر ساختن یک بازار حصار ی در دور تهران بکشند و برج و بارویی برای آن به وجود آورند. در این حصار به مسافت یک فرسخ یک برج و بارو ساخته شده بود. این باروها در نهایت به ۱۱۴ عدد آیات قرآن هستند می‌رسید. این حصار چهار دروازه داشت که دانستن نام آن‌ها حدود تهران صفوی را روشن می‌کند: دروازه عبدالعظیم (خیابان مولوی)، دروازه شمشیران، دروازه قزوین و دروازه دولاپ. محدوده درون حصار حدود ۴ کیلومتر مربع بوده و درازی باروی دور آن در کتاب‌های معتبر حدود ۶ هزار گام نگاشته شده است و فضای بیرون از حصار شامل باغ‌ها و کشتزارهای پهناوری بود که امروز همگی به محدوده‌های شهری تهران تبدیل شدند.

نخستین بنایهایی که ساخته شد حمام و تکیه و مدرسه خانم بود که به دستور مهین بانو خواهر شاه تهماسب ساخته شد. مدرسه خانم در محله افغانه ویران شده اما حمام خانم در تهران امروزی در بازارچه نایب‌السلطنه در خیابان ری قرار دارد. اما مهم‌ترین اتفاقی که در دوران شاه تهماسب بعد از کنسید حصار رخ داد ساختن بازار این شهر در منطقه‌ای بود که پیش از این روستای تهران در آن قرار داشت. بازاری که هنوز هم بعد از چهار صد سال همچنان قلب تپنده اقتصاد سنتی ایران است. از مرکز شاه تهماسب تا به قدرت رسیدن شاه عباس تنها اتفاق مهم تاریخ تهران قتل سلطان حسن میرزا پسر سلطان محمد خدابنده و پسر شاه عباس بود. به نوشته کتاب‌های تاریخی این شاهزاده صفوی علیه سلطنت شورش کرده و در تهران پناه گرفته بود. شاه اسماعیل دوم که نمی‌توانست به صورت رسمی او را دستگیر و اعدام کند کسانیا را اجیر کرد تا او را بکشند. بر خلاف شاه تهماسب، شاه عباس دل خوشی از تهران نداشت. او سر راه اصفهان به مشهد برای عقب راندن عبدالعظیم از یک که با همراهی خوانین ماوراءالنهر، خراسان و مشهد را محاصره کرده بود در تهران اقامت کرد. در راه بر گشت بیماری سختی به سراغ شاه عباس آمد. بیماری که باعث شد وقتی از دروازه تهران خارج می‌شد این شهر را با ساکنانش نفرین کند. نفرین عجیبی که هر کسی که از خارج این شهر وارد شود و شب در آن بماند تنه کنده‌چران این خاک شود و از آن‌ها بیاید نکند.

از روستایی در حاشیه «ری» تا بزرگ ت

چرا تهران پایتخت

شاه همان‌طور که زیر بار سنگینی تاج کبایه روی تخت نشسته بود، بالحنی دستوری گفت بیگلر بیگی به همه مملکت سوار بر فرستید تا جازیز ننداز این لحظه از سواحل ارس تا حیون و از شام تا ماوراءالنهر زیر تکیه شاهی سلسله جلایه قاجار به هستند و به یمن ساعت سعد بر تخت نشستن مادر این باغ گلستان شاهی، طهران را لقب دارالخلافة ممالک محروسه ملقب می‌شود. حکم ملوک‌کنانه مادر این است به نام پایتخت و سلسله ناز سه‌سکه ضرب شود. ۲۳۰ سال پیش در یکی از روزهای فروردین ۱۲۸۵ شمسی هیچ کدام از کسانی که در مجلس تاجگذاری آقامحمدخان قاجار و بنیانگذاری رسمی سلسله قاجار به در کاخ گلستان بودند نمی‌دانستند چه در فکر شاه تازه به تخت نشسته می‌گذرد که شهر نه چندان بزرگ و معروف تهران را به عنوان دارالخلافة پایتخت خود انتخاب کرده است. شهری که نه قدمت اصفهان را داشت و نه اصالت شیراز، نه قداست مشهد و نه شهریت تبریز، شهری معمولی بود تقریباً در شمال ایران که تنها مزیتش نزدیکی اش به مقر ایل قاجار در کرگان بود؛ اما به نظر می‌رسید که آقامحمدخان نکته مهمی را در ناصیه این شهر دیده بود که به جای همه این شهرهای مهم آن را به عنوان پایتخت انتخاب کرد. انتخابی که باعث شد سر نوشت تاریخ معاصر ایران با تهران گره بخورد. اما پاسخ به این سؤال که چرا تبریز بهترین گزینه آقامحمدخان برای پایتختی بود را باید در دل تاریخ این شهر جستجو کرد؛ تاریخی که بخشی از آن در لایه‌های پنهان خاک این شهر هم‌راهمر دمانش دفن شده است.



نفرت شاه عباس و رضایت کریم خان

شاه عباس خیلی زود با تهران و تهرانیان آشنی کرد اما اثرات نفرتش تا روزگار بعدی ماند. با این همه تهران رو به رشد کرد. در وقتی که در نوشته‌های جهانگردان می‌شود در آن را پیدا کرد. بپترو دلاو به ایتالیایی که در سال ۱۰۲۸ قمری به همراه شاه‌عباس اول از تهران به سمت مازندران می‌رفت در وصف این شهر نوشت: «یک ثلث از زمین‌های داخل حصار بیوات و دو ثلث دیگر باغات است» و آن را در نهایت چنان ستان نامید. البته این نظری بود که تاورنیه فرانسوی با آن خیلی موافق نبود و در سفرنامه‌اش نوشت: «تهران شهری متوسط است که هیچ چیز قابل ملاحظه‌ای ندارد.» از این دوره تا زمان حمله محمود افغان تهران روزهای پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشت. در همین دوره بود که شاه سلطان حسین برای دیدار پادری افتدی سفیر عثمانی او را به قصری احضار کرد که شاه سلیمان ساخته شده بود و لرد کرزن معتقد است از چهارباغ و تالار اسلام‌اصفهان بزرگتر بود و در آن بهروایتی ۴۰۰ نفر جای می‌گرفتند.

تهران در زمان حمله افغانه به دست آن‌ها افتاد تا زمانی که نادر شاه افشار با جنگی نه چندان سخت این شهر را از دست آن‌ها گرفت. بعد از نجات شهر از دست آن‌ها شاه تهماسب سوم را با شش هزار نفر نگهبان در تهران گذاشت و به سمت اصفهان رفت.

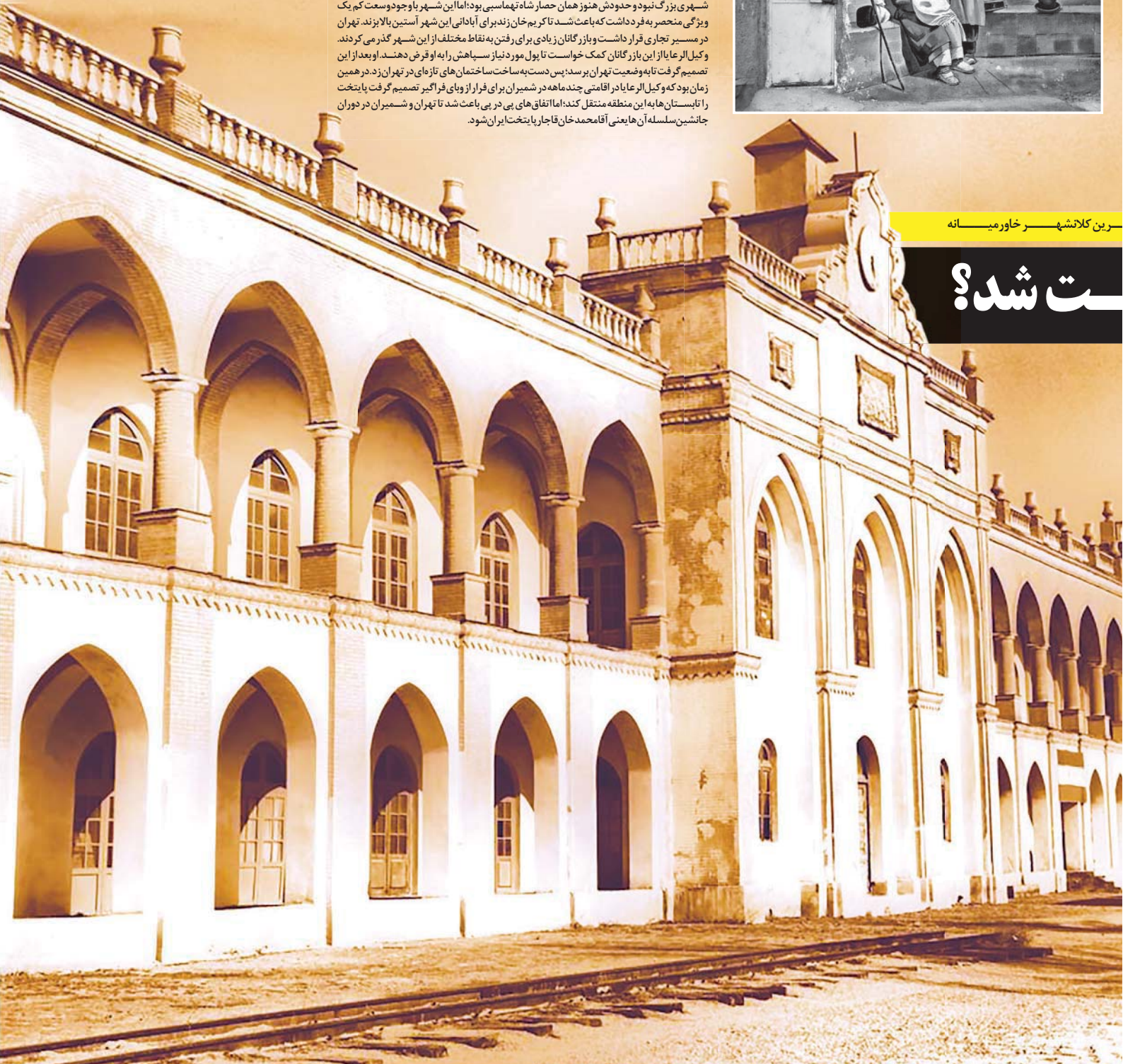
شاه افشار از آنجا که با جامعه یهودی نزدیکی داشت، تصمیم گرفت تا آن‌ها را در جایی گرد هم بیاورد. او از خاخم‌های یهودی خواست تا زبور داوود را به فارسی ترجمه کنند. اتفاقی که در سال ۱۱۵۸ قمری در تهران اتفاق افتاد. نادر همچنین محله یهودی‌های تهران را بیرون از حصار شهر یعنی در منتهی‌الیه شمال شرقی به وجود آورد؛ محله‌ای که البته هنوز بخشی از منطقه ۱۲ تهران یعنی «عود لاجان» است. نادر شاه همچنین در تهران انجمنی متشکل از علمای مذاهب و فرق اسلامی تشکیل داد. در همین شهر بود که نشانه‌های جنون او مشخص شد و با بدگمانی به رضاقلی میرزا پسرش، او را در این شهر کور کرد تا تصویر چنانستان آخرین چیزی باشد که ولیعهد معزول نادر به چشمانش دیده است.

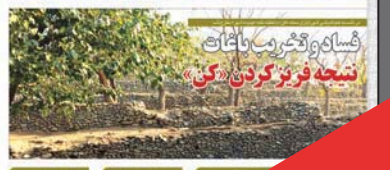
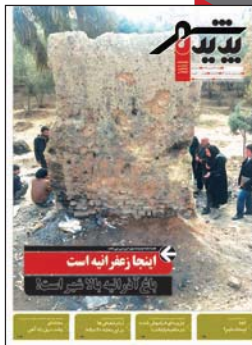
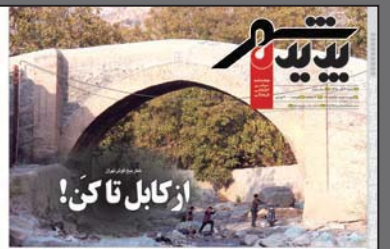
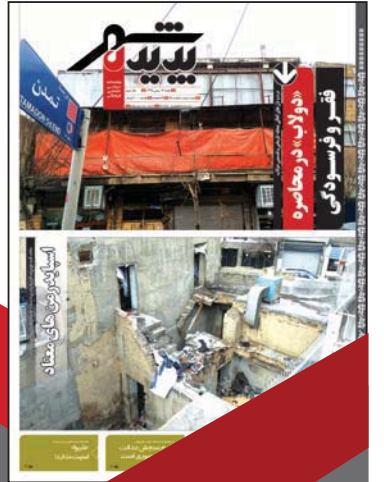
کریم خان زند که با سلسله زند به جانشین نادر شاه شد، در تهران با محمد حسن خان قاجار روبه‌رو و وارد تهران شد. تهران در زمان ورود کریم خان شهری مصیبت‌زده و گرفتار قحطی بود. این قحطی و خشکسالی هر چند راه جمع کردن سرباز را ساده کرده بود اما نگهداری آن‌ها دشوار می‌گردد. تهران هنوز شهری بزرگ نبود و حدودش هنوز همان حصار شاه تهماسبی بود؛ اما این شهر با وجود وسعت کم یک ویژگی منحصر به فرد داشت که باعث شد تا کریم خان زند برای آبادانی این شهر آستین بالا بزند. تهران در مسیر تجاری قرار داشت و بازرگانان زیادی برای رفتن به نقاط مختلف از این شهر گذر می‌کردند. وکیل‌الرعا با از این بازرگانان کمک خواست تا پول مورد نیاز سپاهش را به او قرض دهند. او بعد از این تصمیم گرفت تا به وضعیت تهران برسد؛ پس دست به ساخت ساختمان‌های تازه‌ای در تهران زد. در همین زمان بود که وکیل‌الرعا در اقدامی چند ماهه در شمیران برای فرار از وبای فراگیر تصمیم گرفت پایتخت را تا بستان‌ها به این منطقه منتقل کند؛ اما اتفاق‌های بی‌در پی باعث شد تا تهران و شمیران در دوران جانشین سلسله آن‌ها یعنی آقامحمدخان قاجار پایتخت ایران شود.



سیرین کلاشه‌ر خاورمیانه

تشد؟





۰۹۱۲۲۲۵۷۸۹۷
۸۸۳ ۲۰۶ ۵۴
@ padideshahr

سیاسی اجتماعی فرهنگی
هفته نامه
پدیده

قابل توجه کاندیداهای
شورای اسلامی شهر تهران

برای رسیدن به موفقیت
باید فکر اساسی کرد

با «پدیده شهر»
صدای محلات محروم تهران
تماس بگیرید

۲۱ از ۳۰۰۰ یعنی ۷٪ در صد شانس پیروزی!!
آنچه ضرب پیروزی شمار افزایش خواهد داد، صرفاً بازتاب برنامه هایتان در محله های شهر تهران است!
به شهادت فعالین شوارایاری و آگاهان حوزه رسانه، موثرترین و قویترین کانال آشنا در سطح ۳۵۴ محله شهر تهران هفته نامه "پدیده شهر" است.